

روز جهانی زن گرامی باد!

تحت بی سابقه ترین ستم و سرکوب و تحقیر و توهین قرار دارند. حکام مرتجع جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین سیاستها و قوانین را در نفی و پایمال کردن حقوق زنان به اجرا درآورده است و این علاوه بر همه فشارهای سخت و جانفرسایی است که سیاستهای ضد مردمی حکومت با ادامه چنک و تشدید روز افزون ترور و اختناق و غارت و استثمار بر زندگی عموم مردم وارد می آورد.

بقیه در صفحه ۵

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۷ اسفند (۸ مارس) روز زن را به همه زنان ایران صمیمانه شادباش می گوید. روز ۱۷ اسفند تجلی پرشکوه همبستگی زنان سراسر جهان در راه صلح، دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی، در راه تأمین حقوق برابر زنان با مردان است. در این مبارزه زنان ایران همواره جایی شایسته و افتخارآمیز داشته اند. اینک زنان میهن ما در دشوارترین شرایط و

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۲ اسفند ۱۳۶۲ برابر ۴ مارس ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریهال سال اول - شماره ۴۷

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت حماسی رفیق قربانعلی مؤذنی پور

در صفحه ۲

"از رنج و رزم زنان"

در آستانه ۸ مارس، روز جهانی زن جزوه "از رنج و رزم زنان" نوشته رفیق رقیه دانشگری، عضو کمیته مرکزی سازمان منتشر شد. رفیق دانشگری در این نوشته با اشاره به رنج و مصائب زن ایرانی، حقوق پایمال شده و آرزوهای سرکوب شده اش، گوشه هایی از رزم و نبرد و اعتراض زن ایرانی را منعکس می کند. جزوه در آغاز، پرده از سخنرانی های سران رژیم منحوس شاه در باب آزادی و برابری زن، برمی دارد. پشت پرده آنچه که بود بی عدالتی و تبعیض بود. رفیق در این باره می نویسد: "غیرغم میاموی تبلیغاتی فراوانی که بر سر رشد و ترقی زنان در عرصه فعالیت های اقتصادی و تأمین حقوق برابر آنها بعمل میامد، زنان زحمتکش شهر و روستا در زیر ظالمانه ترین بهره کشی ها از جانب اربابان و کارفرمایان، با دستمزدی ناچیز درازا"

بقیه در صفحه ۷

رزم زنان شکوفان تر باد!

همواره در مبارزات مردم میهن ماء زنان جایگاه مهمی داشته اند. نقش برجسته زنان در انقلابی که رژیم مغرور شاه را به کورسپرد، اوج حضور زنان در جنبش انقلابی تا آن زمان بود. این روند از آن پس نیز پرشتاب ادامه یافت. با اینکه بر ستم پیشین، ستمی لثام کسبخته تر افزوده شد، با اینکه سردمداران مرتجع و فشری همه تلاش وسیعی خود را به کار گرفتند که زنان را به کلی از حیات اجتماعی کشور بیرون برانند، اما آن تشبیهات ره بجائی نبرد، تحمیل محدودیت های قرون وسطائی تنها آتش مبارزه زنان را شعله ورتر کرده است. اکنون در مبارزه برای دستیابی به صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی زنان بایبای مردان می رزمند. در عرصه هایی از نبرد زنان زحمتکش میهن ما بیشترین نقش را ایفا می کنند.

بقیه در صفحه ۶

"ما خود را در مبارزه زنان ایران"

برای آزادی و از بین بردن ظلم و شکنجه، شریک می دانیم"

مصاحبه نشریه اکثریت با خانم "من سام ان" معاون شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق کامبوج

در امور داخلی ما دست نکشیده است. آنان تلاش می ورزند تا رژیم مردمی و انقلابی را در کامبوجیا سرنگون سازند. آنها با استفاده از باند های ضد انقلاب وابسته به سیهانوک و پولپوت تلاش می ورزند تا با اعمال خرابکارانه اوضاع را در کشور ما ناآرام سازند. در برابر این شرایط تاکتیک و شیوه مبارزه ما اینست که هر چه زودتر به غائله خمرهای ارتجاعی و باند های وابسته به ارتجاع خاتمه دهیم. ما با تمام نیرو، خمرهای ارتجاعی را از لسان سیاسی و نظامی فلج ساخته و به آنها بی سلاح برداشته و علیه مردم کامبوجیا مسلحانه می جتکند با عملیات خرد کننده نظامی پاسخ داده ایم. ولی رفتار ما در مقابل کسانی که فریب خورده و در صفوف دشمن قرار گرفته اند با نرمش و تفاهم توام است. در این قبیل

بقیه در صفحه ۸

در سالروز ۸ مارس روز جهانی زن به درج مصاحبه ای از خانم من سام ان می پردازیم. در این مصاحبه ایشان به سوال خبرنگار نشریه ماء درباره اوضاع کامبوج و روند انقلاب در این کشور چنین پاسخ گفتند:

در کامبوجیا با گذشت زمان اوضاع ثبات بیشتر می یابد. مادر ملی شش سال گذشته در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شاهد پیروزی های بزرگی بوده ایم. پیروزی های ما بخصوص در عرصه نظامی در این اواخر چشمگیر است. نیروهای مسلح کامبوجیا با کمک نیروهای دوست و برادر ویتنامی توانسته اند به باند های ضد انقلاب کامبوجیا که مرکز شان در تایلند است ضربات کوبنده ای وارد سازند، ولی علیرغم این موفقیت ها رژیم کمونیسم چین که در تبتانی با امپریالیزم ایالات متحده عمل میکند هنوز از مذاخنه

جشنهای چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن تجلی پرشکوه همبستگی بین المللی با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کانادا

جشن سالروز بنیادگذاری سازمان در روز ۲۰ بهمن در تورنتو کانادا برگزار گردید. برنامه جشن با یک ساعت تأخیر ناشی از تلاش عبث عده ای اوپاش مشکوک که قصد برهم زدن جشن را داشتند در ساعت ۶ بعد از ظهر آغاز گردید. سالن جشن باشعارهای "پیش به سوی جبهه متحد خلق"، "چهاردهمین سالگرد بنیادگذاری سازمان فدائیان خلق، سازمان طراز نوین طبقه کارگر ایران خجسته باد، "استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی"، "زندانیان سیاسی را آزاد کنید" و همچنین عکسهای رفقا حمید اشرف، بیژن جزئی، کنسرخ و میثقی ترژین شده بود میهمانانی از حزب کمونیست کانادا و انجمن دموکراتیک برتغالی ها، عراقی ها و پاکستانی های مقیم کانادا حضور داشتند. برنامه با پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران بمناسبت ۱۹ بهمن آغاز گردید که به دوزبان

بقیه در صفحه ۱۴

دولورس ایباروری خطاب به يك مادر ایرانی:

"من همواره در کنار شما هستم!"



در صفحه ۹

پاینده باد هشتم مارس، روز همبستگی جهانی زنان!

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت حماسی رفیق قربانعلی مؤذنی پور تجلی عزم و رزم انقلابی مردم علیه ارتجاع

هم میهنان گرامی!
رفقا و هم‌رزمان!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تأسف و تأثر عمیق شهادت حماسی رفیق قهرمان قربانعلی مؤذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی و مسئول کمیته‌های ایالتی فارس و اصفهان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را به اطلاع می‌رساند.

رفیق قربانعلی مؤذنی پور (رفیق احمد) به دلیل اطلاع قبلی رهبران حکومت از کارنامه انقلابی و موقعیت سازمانی وی همچون دیگر اعضا رهبری سازمان ما از مدتها پیش شدیداً تحت پیگرد قرار داشت. مأمورین ارتجاع پس از تلاشهای بسیار رد رفیق قربان را یافتند و ددمنشانه این فرزند فدakar خلق را به شهادت رساندند. بدین‌گونه دشمنان مردم، دژخیمان بیخرد و زبونی که برآند تا درخت بی برگ و ریشه و از پیش مرده هستی خود را با خون جوانان وطن سیراب کنند بار دیگر در برابر عزم و رزم ما به ستوه آمدند و خوار شدند و خاک گور خود را به سیمای اهریمنی خویش پاشیدند.

رفیق قربان، سیمای تابناکی از فرزندان انقلابی و ایثارگر مردم رنج‌کشیده میهن ما بود. سی سال زندگی وی آکنده بود از رنج توده‌های میلیونی و رنج پیکار برای آزادی و بهروزی آنان.

هم میهنان گرامی!

رفیق قربانعلی مؤذنی پور نه نخستین شهید

کمیته مرکزی سازمان ماست و نه آخرین آن. پیش از این، در رژیم سرسپرده شاه، چهار بار، در سالهای ۴۹، ۵۰، ۵۴ و ۵۵ رهبری فدائیان خلق آماج حمله قرار گرفت و هر بار تمام پایتخت اعظم رهبران سازمان ما یا در جریان حمله و یا زیر شکنجه و یا در برابر جوخه اعدام به شهادت رسیدند. ما همه این ضربات فاجعه آمیز را پشت سر گذاشتیم و هر بار نیرومندتر از گذشته مبارزه انقلابی را ادامه دادیم. سرانجام سازمان ما ماند و گسترش یافت و به اوج قدرت و استحکام خود رسید. اما رژیم شاه در ننگ و نفرت مرد.

امروز حکومت جمهوری اسلامی با ارتکاب جنایاتی ددمنشانه‌تر، سرنوشتی تاریک‌تر از رژیم محمدرضاشاهی را انتظار می‌کشد. مرتجعین حاکم قصد دارند با تشدید هرچه بیشتر حکومت ترور و خفقان، با پیگرد سراسری، بازداشت خانه به خانه و شکنجه و کشتار بی‌امان فرزندان انقلابی مردم پایه‌های لرزان حکومت خود را استوار کنند. حکومت آیت الله خمینی با این تلاشهای تبهکارانه قصد دارد جنبش انقلابی را نابود کند و مبارزه کارگران، دهقانان، کارمندان، پیشه‌وران، زنان و اقلیت‌های مذهبی را به زور شکنجه و اعدام خاموش سازد. تاریخ کشور ما و تجربه رژیم مغفور شاه ثابت کرده است که این تلاشها سرانجامی جز شکست و نابودی ندارند.

برای مردم ما مانند روز روشن است که مرتجعین خون‌آشام حاکم هرچه بیشتر خون بریزند و مردم را سرکوب کنند، سرنوشتی شوم‌تر برای خود رقم

می‌زنند. آنها به دست خود گور خود را می‌کنند. هم میهنان گرامی!

کارگران، دهقانان، همه رنجبران ایران! درهم شکستن ترور و خفقان، قطع پیگرد و شکنجه و کشتار فرزندان انقلابی شما، تأمین آزادیهای سیاسی و حقوق مردمی و سرانجام، آزادی میهن و بهروزی مردم در گرو اتحاد هر چه گسترده‌تر و پیکار هر چه قاطع‌تر شما علیه ارتجاع حاکم است. با الهام از شهیدان حماسه ساز خلق، با اتحاد و عزم و رزم انقلابی خویش کوره‌های جنگ و مردم‌کشی را خاموش کنیم، شعله‌های انقلاب را فروزان‌تر سازیم و هر چه توفنده‌تر بر بنیاد ستم بتازیم. شهیدان ما با همین آرمان شهید شدند و ما همین گونه شهادت مقدس آنان را ارج می‌نهیم. رفیق قربانعلی مؤذنی پور با شهادت حماسی خود بر توطئه‌های ارتجاع حاکم برای تیره کردن سیمای انقلابیون ضربتی مرکب‌آلود آورد. اکنون سیمای اهریمنی رهبران مرتجع جمهوری اسلامی، در برابر خورشید فروزان رزم و پایداری و جانبازی انقلابیون چنان تیره و تبا شده است که دم به دم کینه و نفرت بیشتر مردم را نسبت به خود بر می‌انگیزد.

فدائیان، توده‌ایها و هزاران انقلابی در سراسر کشور پرچم رزم انقلابی رفیق قربانعلی مؤذنی پور را برافراشتند.

فدائیان خلق، در میدانهای رزم انقلابی میثاق خویش را با شهید کمیته مرکزی خود تجدید می‌کنند. شهادت رفیق قربانعلی مؤذنی پور و صد هاست دیگر از رهبران و رزمندگان فدایی نشان شور انگیز میثاق فداان با خلق ایران است.

جاودان باد میثاق فداان با خلق.

برافراشته باد پرچم رزم انقلابی رفیق شهید قربانعلی مؤذنی پور.

جاودان باد او پرور و راه او

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پنجم ماه ۱۳۶۳

هدایت رفیق احمد قرار گرفت. او در همه مسئولیت‌های نمونه‌ای از پرکاری، بی‌گیری و سازمانگری بود. او این بار وظیفه داشت تشکیلات را در برابر تهاجمات لجام‌گسیخته گزیمه‌های رژیم به گونه‌ای حفظ کند و سازمان دهد که بتواند وظایف انقلابی خود را به بهترین وجهی انجام دهد.

جلادان رژیم جمهوری اسلامی می‌دانستند مؤذنی پور چه کسی است. در همه جا بدنبال او می‌گشتند و از همه کس رد او را می‌خواستند تا اسیرش سازند. بالاخره در اوایل سال جاری اسیرش کردند. این بار پنداری روح اسفندیاری همان شکنجه‌گر معدوم ساواک که در برابر عزم انقلابی او زانو بر زمین زده بود، در کالبد دژخیمان تازه‌ای حلول کرد. آنها دست به کار شدند تا برای بیرون آوردن کوهر اسرار خلق، حتی صف قلیش را در سینه‌اش از هم بشکافند. اما ناکام ماندند. در برابر جلادان امروزین اوین پاسخ او همان بود که به جلادان دیروزین داده بود. رفیق تا آخرین لحظات پاد لیری از آرمانها و شرف انقلابی خود پاسداری کرد و بالاخره جان را در ره خلق نثار کرد. او شهید شد و لکه نشت دیگری بر دامن مرتجعین تبهکار باقی ماند. اما به رغم این جنایات شب‌نهاد که خود آبه‌تن روزی دگر است!

ساواک، در برابر او اظهار عجز نمود. او در بیدادگاه رژیم شاه نخست به اعدام و سپس به حبس ابد محکوم گشت. او از چهره‌های برجسته زندان قصر بود و در سال ۵۷ در رهبری اعتصاب غذای زندانیان سیاسی این اسارتگاه نقش بسزایی داشت. او نیز همچون دیگر مبارزان اسیر به همت خلق بها خاسته، از زندانهای رژیم شاه راهی یافت و بی درنگ به سیل خروشان انقلاب پیوست. بلافاصله بعد از آزادی از زندان به سازمان خود پیوست و چه در روزهای پرنتب و تبا انقلاب و چه بعد از آن که سازمان کوهی از وظایف در برابر خود داشت نقش موثری در سازماندهی و ارتقای تشکیلات ایفا کرد. مسئولیت او بعد از ایفای چند وظیفه مهم سازمانی، رهبری کمیته ایالتی فارس بود.

با توجه به پایبندی بی‌خداش به مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و به پاس عشق عمیقی که نسبت به آرمانهای علیقه کارک و همه زحمتکشان در دل داشت و به خاطر فداکاری‌های کم نظیرش در انجام وظایف انقلابی و سازمانی و به پاس شایستگی‌های بی‌پایان، در خردادماه سال ۶۱ با عنوان عضو مشاور کمیته مرکزی و اردیبهشت رهبری سازمان برافتخارمان گردید.

در سال ۶۲ کمیته ایالتی اصفهان نیز تحت

"احمد" کشته شد!

هنوز قلبان از شنیدن خبر شهادت کاوه (مرتضی میثمی) و رحمت (منصور پورجم) درهم فشرده بود که خبر رسید "احمد" هم کشته شد! احمد! عضو عزیز و ارجمند رهبری سازمان، احمد شیراز! رفیق قهرمان قربانعلی مؤذنی پور را در سازمان ما به این نام می‌شناختند.

رفیق مؤذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان ما بود و درست مثل کمیته‌های ایالتی فارس و اصفهان وظایف سنگینی را بر عهده گرفته بود. رفیق مؤذنی پور از نزدیک با درو رنج زحمتکشان آشنا بود، خیلی زود تجربه مستقیم از فقر و محرومیت را با آگاهی در آمیخت و به مبارزه رو آورد. وارد دانشگاه صنعتی تهران که شد با ارائه شایستگی‌های انقلابی بسیار مورد توجه فعالین سازمان قرار گرفت و دبیری نهایی که در سال ۵۲ به عضویت سازمان درآمد. او در ۲۵ تیر سال ۵۴ به دست دژخیمان ساواک گرفتار گشت. وزیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت. قربان در برابر این شکنجه‌ها دلاورانه ایستادگی کرد، آنسان با بمردی نمونه‌واری از خود نشان داد که اسفندیاری، دژخیم معدوم

بقیه از صفحه اول

هشتم مارس، روز جهانی زن، فرخنده باد!

روز ۸ مارس سال ۱۸۵۷ زنان کارگر بافنده در نیویورک بر رتبه‌ها و ستم‌هایی که نظام سرمایه داری بر آنها وارد می‌کرد، عصیان کرده و تظاهرات عظیمی را برای کسب حقوق خود جهت افزایش دستمزد و کم کردن ساعات کار برپا کردند. این تظاهرات توسط دستگاه دولتی سرمایه داران به خون کشیده شد، به این گمان که دیگر هیچ صدای اعتراضی بر نخواهد خواست. اما آن صداهای تنها خاموش نشد، بلکه هر دم رساتر گشت به گونه ای که اکنون میلیون‌ها زن در سرتاسر جهان، آن را سرود عزم و رزم خود ساخته اند.

در سال ۱۹۱۰، کلارا تسکین از رهبران جنبش زنان و نماینده برجسته کارگران به کنفرانس زنان سوسیالیست پیشنهاد کرد ۸ مارس، روز بین‌المللی زن اعلام گردد. پیشنهاد پذیرفته شد و دیری نپایید که بزرگداشت ۸ مارس، در همه کشورها به یک سنت همه ساله بدل گشت.

امسال ۷۵ سال است که زنان سراسر جهان در این روز همتا همرا شده و با هم میثاق می‌بندند تا با آگاهی و اراده‌ای آهنین به مبارزات خود جهت دستیابی به صلح، استقلال، پیشرفت اجتماعی و برابری حقوق ادامه دهند. زنان آگاه در کشورهای تحت سلطه نظام سرمایه داری، امپریالیسم و ارتجاع، در این روز با تشدید پیکار خود علیه قوانین بندگان و بر دگی و تحقیر، وفاداری و پایداری خود را به این میثاق نشان می‌دهند.

زنان ایران و بزرگداشت ۸ مارس

روز هشتم مارس برای نخستین بار از سوی جمعیت "پیک سعادت نسوان" که در سال ۱۳۰۱ توسط عده‌ای از زنان روشنفکر در شهر رشت تاسیس شده بود برگزار گردید.

جمعیت دیگری که "بیداری زنان" نام داشت و در سال ۱۳۰۵ تاسیس شده بود نیز مراسمی ویژه این جشن برگزار می‌کرد.

پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان، "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" تاسیس شد و بزرگداشت ۸ مارس را به یک سنت ریشه دار تبدیل کرد. در سال ۱۳۳۱ این تشکیلات تظاهرات بزرگی به مناسبت روز بین‌المللی زنان برپا نمود که تاثیر عظیمی بر جامعه داشت. در آن روز هزاران دختر و زن پیمان بستند که دوش به دوش مردان به پیکار برای استقلال و آزادی کشور ادامه دهند.

پس از کودتای نهمین ۲۸ مرداد، تشکیلات دموکراتیک زنان ایران نیز مورد یورش رژیم دست‌نشانده شاه قرار گرفت، اما نسبت مبارزاتی این تشکیلات و بدی که زنان مبارز و پیروزه زنان دلاور توده‌ای افشانه بودند، پا برجا ماند و در آن سال‌های سیاه دیکتاتوری دوام آورد. مراسم هشت مارس در آن سال‌ها برگزار می‌شد اما به صورت مخفیانه.

زنان ایران مجدداً علیه دیکتاتوری شاه و مظاهر مختلف سلطه این رژیم دست‌نشانده می‌جنگیدند و پیروزه در دوران انقلاب تاثیر نمونه‌داری بر جامعه نهادند، نمونه‌وار بد انسان که تجسم واقعی و همه جانبه این کلام شرف لنین بودند که بدون شرکت زنان هیچ جنبشی توده‌ای نخواهد شد.

زنان ایران انتظار داشتند که بتوانند به دنبال پیروزی انقلاب، زنجیر ستم‌های سالیان سال را از پا بکشند، اما رژیم جمهوری اسلامی بر آنان ستمی را روا داشت که نظیر آن را می‌بایست در قرون وسطی جستجو کرد. اگر چه همه جنبه‌های حکومت جمهوری اسلامی با خیانت به انقلاب، با خیانت به آرمانهای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی آغشته شده است، اما به جرات می‌توان گفت در عرصه حقوق زنان جنایتکارانه‌یهای رژیم جمهوری اسلامی پرتک‌ترین جلوه را داشته است.

زن در جمهوری اسلامی

دلخواه جمهوری اسلامی کار زنان را انجام خواهد داد.

عنصر منحل و منسوخ شده‌ای همچون عاتقه رجایی که سران جمهوری اسلامی او را نماینده زنان در مجلس می‌دانند معتقد است "زن مانند کودکی لجن و انعطاف ناپذیر است که خیر و صلاح خود را نمی‌داند و باید برای تربیتش خشونت به خرج داد و تنبیه جسمی اش کرد." وقتی چنین کلام و قبح‌خانه‌ای بر زبان باصطلاح نماینده زنان جاری شود دیگر باید بی‌برد که قضاوت رژیم در مورد نیمی از اعضای جامعه چیست. زن که خیر و صلاح خود را نمی‌داند خیر و صلاح جامعه را کجا خواهد دانست! این موجود را که باید با سرکوفت و خشونت تربیتش کرد چه به سیاست، چه به شرکت در حیات جامعه!

تنها فعالیت "سیاسی" مجاز زنان در جمهوری اسلامی شرکت در تظاهرات حکومتی و دادن رای به

در جمهوری اسلامی زنان حق شرکت در حیات سیاسی جامعه را ندارند

زمامداران جمهوری اسلامی بر این عقیده‌اند که زنان باید از عرصه‌های سیاست و اقتصاد اجتماع کناره گرفته، به کنج خانه خزیده و تنها به آشپزی و بچه‌داری اشتغال ورزند. آنها این ذهنیت خود را به خوبی در آرم صفحه خانواده روزنامه جمهوری اسلامی نشان می‌دهند. در این صفحه به عنوان آرم خانه‌ای کشیده و زنی را با حجاب سیاه درون آن محبوس ساخته‌اند. اگر با دقت بیشتری نگاه کنیم داری در نثرمان مجسم می‌شود که زنی زیر آن با سری خم شده برای اعدام آماده است. طراح طغاب دار را نکشیده است، شاید به این دلیل که به خوبی می‌داند قوانین

از قطعنامه بلنوم مهرماه ۶۳ سازمان درباره اوضاع سیاسی، جنبش توده‌ای و وظائف ما:

مساله زنان به یکی از حادترین مسائل اجتماعی کشور مابدل شده است. تلاش‌های فوق ارتجاعی رژیم برای لگندمال کردن شخصیت و تمام حقوق اساسی و مسلم زنان و ارتکاب جنایات هولناک و اعمال توهین آمیز علیه زنان، خشم و نفرت عمومی را برانگیخته است. جنبش زنان برای دفاع از حقوق پایمال شده زن، علیه نابرابری اجتماعی و بیدادگری ارتجاع حاکم گسترش می‌یابد. زنان ایران رکن مهم و نقش آفرین جنبش دموکراتیک و انقلابی میهن‌اند. فعالیت انقلابی با استقبال روزافزون وسیع توده زنان مواجه است. سازمان باید سازماندهی و ارتقای جنبش توده‌ای زنان را مورد توجه جدی قرار دهد.

نفع کاندیداهای حکومتی است. حتی به این فعالیت‌ها نیز برخی اشکالات شرعی وارد است که حتماً رهبران عظام جمهوری اسلامی تصور می‌کنند شاید بتوانند در یک موقع مناسب آنها را نیز برطرف سازند.

دژخیمان جمهوری اسلامی با غیثی مضاعف زنان مبارز را به زیر شکنجه کشیده و یاد را برابری جوخته اعدام می‌نهند. از نظر دژخیمان آنان مرتکب درجیم شده‌اند نخست این که به مبارزه علیه ارتجاع بر خاسته‌اند و دوم این که یک زن هستند و مرتکب جرم بزرگ شرکت در فعالیت‌های سیاسی گشته‌اند.

در جمهوری اسلامی زنان حق تشکل ندارند. تشکیلات دموکراتیک زنان که پیشروترین، منسجم‌ترین، گسترده‌ترین و با برنامه‌ترین سازمان زنان در ایران بود مورد یورش نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفت، نشریه مترقی جهان زنان تحلیل شد، و در عوض ورق باره‌هایی به نام زنان انتشار یافت که اطلاق صفت ارتجاعی به آنها ممکن است باعث خوش نامیشان شود! بقیه در صفحه ۴



بقیه از صفحه ۲

در زندانهای جمهوری اسلامی علی رغم همه مباحثهایی که مبلغین رژیم در مورد فدائست مقام مادر به راه می اندازند، برای به زانو در آوردن مادران مبارزه، فرزندان آنها را در جلوی چشمان شکنجه می دهند. در این مغاکها به زنان باردار نیز رحم نکرده، آنها را زیر شکنجه برده و روانه میدانهای اعدامشان می سازند.

در جمهوری اسلامی

زنان حق کار کردن ندارند

منشور تأمین اجتماعی که ۲۷ سال پیش به تصویب پنجمین کنگره جهانی سندیکایی رسیده است، دولت هر کشوری را موظف می سازد که قوانین کار و اجتماعی را به گونه ای پیاده کند که در زمینه آموزش کار، دستمزد، ارتقای رتبه، آموزش حرفه ای تکمیلی و بازآموزی و... برای زنان حقوقی برابر با مردان تأمین شود. مطابق این منشور زنان حق دارند طی دوره بارداری و زایمان از هر نظر حمایت شده و از امتیازات ویژه ای برخوردار گردند، برای فرزندان آنها باید امکاناتی فراهم شود تا مادران با خیالی آسوده بتوانند، در تولید اجتماعی شرکت جویند... حال ببینیم جمهوری اسلامی در این عرصه چه سیاستی را در پیش گرفته است:

در جمهوری اسلامی حقوق زنان به ازای کار مساوی کمتر از حقوق مردان است. زنان حق شرکت در کلاسهای تخصصی و آموزش حرفه ای و بازآموزی را ندارند. عمدتاً کارهای پست، غیر تخصصی و ساده به زنان تعلق می گیرد. شانس استخدام آنها در صورتی که همسرشان کارمند و یا کارگر باشد کاهش می یابد. مهد کودکها را در اکثر ادارات، موسسات آموزشی و کارخانه ها بسته اند و درباره ای از کارخانه ها که هنوز موفق به بستن مهد کودکها نشده اند، با قرار دادن این شرط که از هر مادر تنها یک کودک به مهد کودک پذیرفته می شود، مادران را تحت فشار قرار داده اند.

رعایت نکردن حجاب و مورد تأیید انجمن اسلامی نبودن، به سادگی باعث اخراج زنان می شود. زنان را در صورت "تخلف" در کارخانه ها، به انجام کارهای سنگینی وامی دارند. در تعدادی از کارخانه ها حامله نبودن تنها جزو شرایط استخدام آنهاست. زنان بسیاری که فقر و محرومیت در شرایط گرانی و تورم خردکننده، آنها را مجبور به استخدام شدن در این کارخانه ها می کند، برای پنهان نگه داشتن حاملگی شان، موجب سقط جنین خود می شوند.

در محیط کار یک زن همواره در معرض خلع اخراج است. لایحه نیمه وقت کردن کار بانوان و لایحه بازنشستگی زنان بعد از ۱۵ سال کار به ازای یک حقوق بسیار ناچیز شکل محترمانه اخراج زنان از محیط کار و سلب مشارکت آنها در تولید اجتماعی است.

در جمهوری اسلامی

امکانات آموزشی برای زنان

محدود و محدودتر می شود

وقتی زن فرار باشد در کنج خانه بماند دیگر چه

نیازی به درس و مشق و مدرسه و آموزشگاه و دانشگاه دارد؟ پس باید گام به گام موانعی ایجاد کرد تا زنان از این عرصه ها رانده شوند و در کنج آشپزخانه پناه گیرند. این چکیده اندیشه های رهبران عظام جمهوری اسلامی است. این خطی است که سران این رژیم خیانت پیشه پیش گرفته اند.

اکنون بسیاری از دبیرستانهای دخترانه به این بهانه که برای آنها دبیر زن موجود نیست یا تعطیل شده اند (به ویژه در شهرستانهای کوچک) و یا در شرف تعطیلند. اکثر دانش آموزان دختر به دلیل کمبود دبیر زن، از تحصیل در رشته ریاضی محرومند و این در حالی است که بسیاری از دبیران زن به جرم دگراندیشی از آموزش و پرورش اخراج شده اند از هنرستانهای صنعتی نیز که به نحو اولی مطلقاً نمی توان سنی گفت.

در روستاها هزاران دختر را به بهانه غیر شرعی بودن کلاسهای مختلط و گذاشتن حد نصاب ۱۰ نفر برای تشکیل کلاس، از آموزش محروم کرده اند. ادامه تحصیل برای دختران در رشته های کشاورزی و بسیاری از رشته های فنی با این توجیه که "زنان نباید کار سختین بکنند"، ممنوع است. البته کاملاً مشخص است که کار زنان در کوره های آجریزی، شالیزاریها، کارگاههای قالی بافی و... به نظر رهبران جمهوری اسلامی شاق و سختین نیست.

زنان از حق ادامه تحصیل در رشته حقوق و پرداختن به شغل وکالت و قضاوت به این دلیل قرون وسطایی که بر احساس خود غلبه ندارند، و حتی مجاز به شهادت دادن هم نیستند محرومند.

در چنین شرایطی طبیعی است که بیسواد و فقر آموزشی در میان زنان وزن سنگینی دارد و دم به دم بر میزان آن افزوده می شود.

در جمهوری اسلامی

زن برده ای پیش نیست

جمهوری اسلامی زن را از جامعه می راند و او را در کنج خانه محبوس می سازد. اما در آنجا نیز فراموش نمی کند که دست و پای زن را به زنجیر ضد بشری ترین قوانین ببندد. زن در جمهوری اسلامی برده ای است که صاحب آن حتی میتواند خوراک روزانه اش را و به اصطلاح آقایان علما نفقه اش را نیز قطع کند، شلاق کشش سازد و هیچ گونه حقی برای او قائل نشود.

روزی نیست که حکام مرتجع به شکل وقیحانه ای در رسانه های گروهی، در باب تعدد زوجات و لوایب آن و انواع و اقسام صیغه افاضه کلام نکنند. آنها داشتن چهار زن دائم و تعداد نامحدودی کنیز به نام صیغه را برای مرد امری عادی جلوه داده و آنرا "بزرگترین دستاورد جمهوری اسلامی" و "بهترین راه برای جلوگیری از اشاعه فحشا و فساد" اعلام می کنند.

رئیس دادگاههای مدنی خاص چنین حکم می کند:

"تعدد زوجات جایز است" و این اهانت و توهین به شخصیت و منزلت زن را به آنجا می رساند که میگوید "خیلی از زنان، داشتن هو را بخشی از زندگی عادی زنشویی می دانند."

در جمهوری اسلامی زن به عنوان یک انسان مطرح نیست. او را می توانند در سالتی شهر دهند، بدون اجازه شوهر حتی نباید برای دیدن پدر و مادرش از خانه خارج شود، او را می توان در صورت سرپیچی از فرمان شوهر به تازیانه بست، با او می توان حیوانی ترین رفتارها را مرتکب شد، بر سر او می توان هو آورده، می توان او را از خانه رانده، به سادگی غلاقتش داد و حتی از دیدار فرزندان محرومش ساخت.

برای یک تقاضای طلاق که از سوی زن باشد، هزار تصدیق و گواهی و شاهد و مهمتر از همه رضایت مرد لازم است در صورتی که به گفته رئیس دادگاه مدنی تهران "مرد می تواند در آن واحد مثلاً برای ۴ زن خود تقاضای طلاق کند" (کیهان ۶ دی)

قوانین ازدواج موقت از این نیز فاحش تر و حیوانی ترند: "زنی که صیغه شد اگر چه آپستن شود، حق خرجی ندارد... از شوهر ارث نمی برد... می تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود ولی اگر بواسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین می رود، بیرون رفتن او حرام است..."

در میان این همه حصارها، زن باید

در حصار حجاب نیز محبوس باشد

برای تحمیل حجاب به زنان گشتهای رنگارنگی راه انداخته اند، تا اکنون دهها بار در ابعاد وسیعی چماق کشی کرده اند و به اسید و قوطی رنگ و شلاق و زنجیر متوسل شده اند.

در نظر حکام جمهوری اسلامی کسب هنر و دانش، شرکت فعال در ساختن جامعه و زندگی سیاسی، کسب حقوق برابر و داشتن روح آزادی و سربلندی برای زن زینت و فضیلت نیست، "شایسته ترین زینت زن حفظ حجاب است!"

به بهانه نداشتن حجاب بسیاری از زنان از حق تحصیل و کار محروم شده اند. هر یک از مراتب عدم رعایت حجاب شامل بی حجابی، نیمه حجابی، بدحجابی و کم حجابی (اصطلاحات خود حضرات) یک زن را ممکن است روانه کمیته و دادستانی و داوره مبارزه با منکرات و مقرکشت ارشاد و اوین سازد و مستوجب تعزیر کند. دست آخر زن باید تعهد کتبی دهد که "دیگر مرتکب فحشا نخواهد شد!"

در مین ماستمی که بر زنان می رود تنها مخلوق حکام فعلی نیست، بقایای مناسبات پیشین و سخت جانی سنت های مهجور در آمیخته با اثرات صورتبندی سرمایه داری زمینه ترک تازی اندیشه های ارتجاعی حکام جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. حکام فعلی عق ستمی را که بر زنان روا داشته می شود عیان ساختند، آنرا اگر اندیسمان کردند تا فردا پویندگان راه آزادی و عدالت اجتماعی آنرا به تمامی هدف قرار دهند. آری تاریخ بعضا رخت های آلوده به چرک و پلشتی جامعه را در بالکن آویزان می کند، بعضا آنچه را که بر آن مهر نابودی خورده ولی به دلایل معینی دوام آورده است از عق به سلح می آورد تا با درهم شکستن و لگدکوب کردن آن در برابر چشم همگان جبر و صلابت خود را نشان دهد.

خاطره‌ای از

رفیق مهنوش ابراهیمی نخستین شهید زن سازمان



فدائیان شهید مهنوش ابراهیمی و چنگیز قبادی

از گزارش هیات سیاسی به پلنوم مهر ماه ۶۲
کمیته مرکزی سازمان:

* سازمان ماهواره افشار آن را داشته
که ستر مطمئن برای احقاق حقوق زنان باشد.
زنان فدائی که بیش از ۱۰۰ کل اعضای سازمانند،
همیشه یکی از فعالترین نیروها در کار توده‌ای
در میان زنان بوده‌اند.

زنان زجر کشیده میهن ما فریاد اعتراض خود
را علیه سیاستهای جنگ افروزان و خانمان برانداز
حکام جمهوری اسلامی هر روز بلندتر می‌کنند.
اعتراضات دلیرانه و متحد مادران و خانواده‌های
دهها هزار زندانی سیاسی و هزاران انقلابی و مبارزی
که به دست جلادان رژیم وحشیانه شکنجه و به شهادت
رسیده‌اند، هر روز که می‌گذرد شرات بزرگتری به‌بار
می‌آورد. زنان در جنبش کسترش یابنده توده‌ای علیه
گرانی، بیکاری، بحران مسکن، بی‌آبی و تضییقات
مختلفی که بر مردم محروم شهرها اعمال می‌گردد، نقش
بسیار فعالی بر عهده دارند و در مبارزات دوشادوش
مردان به پیش می‌روند.

در این میان زنان فدایی و دیگر زنان آگاه و
مبارز نقش ستایش انشیری در بردن آگاهی به میان
زنان دارند. مبارزه در راه تامین آزادی و برابری
واقعی برای زنان، از مبارزه در راه تامین حقوق
دموکراتیک مردم میهنمان، از مبارزه در راه تحقق
استقلال واقعی و استقرار دموکراسی، و تامین عدالت
اجتماعی جدا نیست. برای دستیابی به حقوق حقه
زنان باید به حاکمیت ارتجاع که مانع عمده در راه
تحقق آماجهای جنبش است پایان داد. زنان فدایی با
درک عمیق از وظایف خطیر خود، در راه هدایت و
سازماندهی و ارتقا* مبارزات زنان و شرکت هرچه
گسترده‌تر و فعال‌تر آنان در مبارزه اوج یابنده
توده‌ای که می‌رود تا بساط ظلم و ستم حکام جمهوری
اسلامی را برچیند، پیگیرانه مبارزه می‌کنند. آنان
با مبارزه قهرمانانه و حماسه آفرین خود در زندانها و
افتخار آفرین مبارزه انقلابی زنان میهن ما را
همچنان بلندتر می‌افرازند.

گرامی باد روز زن

دروود و افتخار

بر همه زنانی که در راه آزادی و بهروزی می‌زنند
کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

یک جیب در اختیار داشتند. رفقا نیز یک ماشین
پیکان داشتند. رفیق چنگیز قبادی با خونسردی به
ساواکی‌ها پیشنهاد کرد که با ماشین خودشان به‌ساری
بروند. آنها خام شده و این پیشنهاد را پذیرفتند.
یک مامور مسلح در ماشین پیکان رفقا نشست. و سه
مامور دیگر به وسیله ماشین جیب خودشان این
اتوموبیل را اسکورت کردند.

در تمام طول راه رفقا فکر می‌کردند که چگونه
از دست مامورین بتریزند. آنها با تکانه افکارشان را
به یکدیگر منتقل می‌کردند. نزدیکهای ساری که
رسیدند، رفیق چنگیز که راننده بود با تکانی مصمم به
رفقا اعلام کرد که دیگر وقت عمل است. آنها با
سرعت و قاطعیت اتوموبیل را منحرف کرد و آن را در
گودال نسبتاً عمیقی که در کنار جاده بود انداخت.
بر اثر تکانهای شدید درهای ماشین باز شده و رفقا به
بیرون پرتاب شدند و هر یک از سستی شروع به دویدن
بقیه در صفحه ۹

اعلامیه کمیته مرکزی ... بقیه از صفحه اول

ارتجاع زنان میهن ما را از بسیاری امکانات
آموزشی، از حق کار و از فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی
محروم کرده است. این اقدامات ارتجاعی و انواع
تضییقاتی تاثیر تحصیل چادر و روپند و روسری و
تیه‌کاریهای جنون آمیز علیه زنان به بهانه "حجاب"،
بهین منثور انجام می‌شود تا بلکه زنان ایران را چون
کنیزان و زنان حرمسرا در چهار دیواری خانه و
آشپزخانه محصور و اسیر سازند. قوانین و احکام
ارتجاعی به اجراء آمده، نابرابری زن با مرد را به
رسمیت می‌شناسد و حقوق زن را در خانواده و جامعه
نهی می‌کند. رژیم با ترویج شیوه منسوخ و منحل‌چند
همسری و ازدواجهای موقت، شدیدترین اهانت و ستم
را بر زنان روا داشته و بسیاری از خانواده‌ها را
متلاشی کرده است.

افکار پست و پوسیده سردمداران جمهوری
اسلامی بیش‌ترانه برای زنان تنها نیمی از شعور،
شخصیت و اعتبار انسانی را قایل است. در این افکار
چیزی جز بی‌عدالتی فاحش و آشکار در حق زنان و حتی
دشمنی با موجودیت انسانی آنان نیست. زندانها،
شکنجه‌گاهها و میدانهای اعدام جمهوری اسلامی
بارزترین گواه دردناک جنایات بیشمار رژیم علیه
هزاران زن و دختر انقلابی و مبارز میهن ماست.

علیرغم ددمنشی هیات حاکمه مرتجع، جنبش
زنان ایران بعنوان جز تفکیک ناپذیر جنبش
دموکراتیک و همگانی مردم ایران علیه ارتجاع حاکم
می‌رزد و با گامهای امید آفرینش به پیش می‌رود.
ایستادگی و مبارزه زنان بسیاری از توطئه‌ها
و طرحهای رژیم برای بیرون راندن زنان از محیطهای
فعالیت تولیدی و اجتماعی را خنثی کرده یا با موانع
جدی روبرو ساخته است. مخالفت و اعتراض عمومی
زنان علیه غوغای چادر و مقنعه و روسری، علیه
نابرابری حقوق زن در خانواده و در جامعه و علیه
تضییقات گوناگون رژیم همچنان به اشکال مختلف
توسعه می‌یابد.

سازمان ما از بدو تولد خویش تا کنون زنان
مبارز بسیاری را در زیر پرچم ظفر نمون خویش گرد
آورده است. هم اکنون یک سوم اعضای سازمان ما را
زنان تشکیل می‌دهند. زنانی که هر یک نمونه‌های
ایثار و از خود گذشتگی در راه آرمان طبقه کارگر و
استقرار مناسبات بالنده‌ای هستند که در آن همه
جلوه‌های ستم و از جمله سستی که بر زنان روا داشته
می‌شود، از میان برداشته خواهد شد.

زنان دلاور عضو سازمان مایک سنت مبارزاتی
بسیار غنی و شورانگیز در پشت سر دارند. علاوه بر
تاریخچه عمومی سراسر حماسه پویندگی سازمان، چهره
مای درخشانی همچون مهنوش ابراهیمی، پوران
یداللهی، مرضیه احمدی اسکویی، شیرین فضیلت
کلام، فاطمه حسن پور، نسترن ولاد آل آقا
اعظم السادات روحی آهنگران، مهر انگیز سعودی،
فرشته گل غنبریان، فخری شیدایی و ... بدانان
الهام می‌بخشند.

نخستین زن شهید عضو سازمان ما رفیق
قهرمان مهنوش، ابراهیمی است. برای بزرگداشت
خاطره این فدایی خلق و دیرتر رفقای شهید فدایی، ما از
یکی از هم‌زمان و دوستان نزدیک رفیق مهنوش
درخواست کردیم که خاطره‌ای از او را برای
مانقل کند. رفیق نحوه فرار مهنوش را از چنگال
دژخیمان ساواک در سال ۵۰ به عنوان نمونه موشیاری
این رفیق برای ما حکایت کرد:

"مهنوش رفیقی بود آگاه و هوشیار. او از
نزدیک با درود و رنج زحمتکشانش آشنا بود و همین امر
به او خصلت‌های مبارزاتی و الایی بخشیده بود.

رفیق مهنوش خیلی زود پدرش را از دست
داد. مادر زحمتکش او با خیالی مهنوش و دو فرزند
دیگرش را بزرگ کرد.

مهنوش از کودکی طعم سختی زندگی را
چشیده بود، بزرگتر که شد این تجربه مستقیم از
محرومیت با آگاهی در آمیخت و رفیق را در خدمت
مبارزه برای پیروزی زحمتکشانش قرار داد.

مهنوش بعد از اتمام دوره دبیرستان به
دانشکده پزشکی رفت. رفیق چنگیز قبادی، پسر
خاله، یار و دوست صمیمی او نیز در این دانشکده
درس می‌خواند. آنها خیلی زود به دلیل تفرق
مشترک، زندگی مشترک را با یکدیگر آغاز کردند.

رفقا مهنوش و چنگیز جزو اعضای اولیه
سازمان ما بودند. رابطه مهنوش با سازمان رفیق عباس
مفتاحی بود که در سال ۴۹ با او آشنا شده بود.

در تابستان سال ۵۰ رفیق مهنوش به اتفاق سه
رفیق دیگر از جمله رفیق چنگیز، در یک ماموریت
سازمانی راهی جنگلهای منطقه غربی مازندران شدند.
آنها کار خود را تازه شروع کرده بودند که مورد
شناسایی مامورین ساواک که بعد از جریان سیاه‌کل
کشتهای ویژه‌ای در نواحی جنگلی شمال ترتیب داده
بودند، قرار گرفتند. متأسفانه آنها با وجود هوشیاری
و سرعت عمل نتوانستند از چنگ مامورین بگریزند و
دستگیر شدند.

ساواکی‌ها می‌خواستند آنان را برای بازجویی
به مرکز ساواک در ساری ببرند. آنها ۴ نفر بودند و

رزم زنان شکوفان تریباد!

بقیه از صفحه اول

مبارزات در ازمندت زنان در راه احقاق حقوق برابر، اینک که رسماً و علناً حقوقشان را انکار می‌کنند، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است.

با نگاهی به رویدادهای جاری کشور و مروری بر اخباری از میهن که در صفحات این نشریه درج می‌شود، می‌توان دریافت که زنان چگونه در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی نقش شایان تحسین ایفا می‌کنند.

بدون استثنا در همه حرکات اعتراضی کارگران، زنان کارگر نیز همراه و هم دوش با مردان شرکت دارند. حتی یک نمونه هم نمی‌توان یافت که دشمن توانسته باشد در جنبش کارگری بر وحدت رزمجویانه زنان و مردان خدشه‌ای وارد کرده باشد. در دخانیات، کاناد اداری، ذوب آهن و صدها حرکت اعتراضی که در یک سال گذشته در واحدهای تولیدی سراسر کشور صورت پذیرفت، زنان نقشی فعال ایفا کردند. علاوه بر آن در بسیاری از موسسات صنعتی، زنان کارگر در راه کسب حقوق ویژه خویش و مقابله با تبعیضات و اجحافات قرون وسطایی مبارزات پیگیری را پیش برده‌اند.

در روستاهای میهن ما، زنان همراه با مردان در برابر فئودال‌ها و حکومت مدافع بزرگ مالکان مقاومت می‌کنند. بی‌مراس از سرنیزه‌های پاسداران رژیم با دلاوری ایستادگی می‌کنند. نمونه‌ای از آن مبارزه سرخشانه زنان دسطلج‌جان بود. اینک بسیاری از زنان زحمتکش روستایی به خاطر پیاداری در برابر تجاوزات مامورین حکومتی و تلاش برای حفظ زمین در برابر مظلوم ارباب، در زندانها بسر می‌برند.

در یکی دو سال گذشته زنان زحمتکش شهری در همه جا در تهران، بندرعباس، قم و... برپاکننده و پشناناز تظاهراتی بودند که رژیم را به شدت هراسان ساخته است. در تهران مبارزات زنان حاشیه شهر کمتر هفته و روزی بود که قتلع شود. در افسریه، شادشهر، امامزاده حسن، خاک سفید و... صحنه‌های شکوهمندی از مقاومت زنان در برابر ارکان‌های سرکوب آفریده شد.

زنان زحمتکش بیش از دیگران رنج ناشی از کمبود مایحتاج اولیه، گرانی، تبعیضات در توزیع کالاها را احساس می‌کنند. آنها در صفهای دراز توزیع کالا، در مساجد و محلات آشکارا و بی‌مراس از خیانت‌های سرمداران رژیم جمهوری اسلامی سخن می‌گویند، با مامورین فاسد دولتی به مقابله برمی‌خیزند. این صفها به دفعات آغازگاه حرکات اعتراضی دسته‌جمعی زنان گردیده است.

در ادارات و مدارس زبان از شدیدترین تبعیضات قرون وسطایی رنج می‌برند گروه گروه از آنان اخراج می‌شوند و از حداقل وضعیت شغلی بی‌بهره‌اند. اما در برابر، زنان کارمند و معلم و دختران دانش‌آموز آرام ننشسته‌اند، با وجود همه موانع و مشکلات ارتجاع ساخته، به رویارویی برخاسته‌اند. حرکت اعتراضی دسته‌جمعی زنان کارمند وزارت دارایی جلوه‌ای از آن است.

در جنبش صلح میهن ما و در مقابله با جنت افروزی‌های تبهکارانه رژیم، بی‌کمان زنان بیشترین حضور را داشتند. مادران بیشترین اعتراض را نسبت

به اعزام فرزندان جوانشان به جبهه‌های جنت نشان می‌دهند. گروه بسیاری از زنان روستایی به جرم مقاومت در برابر اکیپ‌های سربازگیری روانه زندانها شده‌اند. مراسم تشییع جنازه و عزاداری کشتگان جنت عرصه‌ای است که در آن نفرت زنان از جنت افروزی‌های سرکردگان خائن رژیم ابراز می‌شود. در اردوگاههای آوارگان جنتی خشونت پاسداران در برابر اعتراضات خشمگین زنان در کبریهای خونینی بنار آورده است. در شهرهای جنت‌زده و در شهرهایی که تحت بمباران‌های هوایی قرار می‌گیرند، زنان ضمن محکوم کردن مسببین تدویم جنت، شعار صلح را فریاد می‌کنند.

از قشری‌گری‌های مزورانه مرتجعین حاکم زنان بیشترین آزار را متحمل می‌شوند. گستاخانه و علناً حقوقشان را انکار می‌کنند. رسماً نابرابری حقوق زنان را با مردان اعلام داشته‌اند. در ابتدائی‌ترین امور شخصی آنها مداخله می‌نمایند و حتی حق انتخاب نوع پوشش زنان را به خود اختصاص داده و در چارچوب ضوابطی فوق ارتجاعی محصور کرده‌اند. زنانی را که از این ضوابط تخلف می‌کنند، بی‌شرمانه به شلاق می‌بندند. دستجات اوباش خود را همچون سکان هار روانه خیابانها کرده و به جان زنان می‌اندازند. رژیم اگرچه در این راه نیروی بسیاری را به کار گرفته است اما تاگزیر شد اعتراف نماید که مقاومت زنان در برابر این تحمیلات هنوز هم همچنان به اشکال گوناگون و متنوعی ادامه یافته است. در برابر دستجات اوباش و اکیپ‌های کشت حکومتی، زنان مقاومت چنانچه‌ای را به نمایش گذاشته‌اند که گوشه‌هایی از آنرا در روزهای بلوای حجاب در تابستان گذشته شاهد بودیم.

اگرچه رژیم با بکارگیری سبانه‌ترین اشکال سرکوب توانسته است برخی از خواسته‌های فوق ارتجاعی خود را به زنان تحمیل کند اما با قاطعیت می‌توان حکم کرد که کوشش او در بیرون راندن زنان از حیات اجتماعی کشور و به بند کشیدن آنان در قالب ضوابطی قرون وسطایی شکست خورده است. این تشبث از پیش هم محکوم به شکست بود. زنان توانستند در تمامی عرصه‌ها حضور خود را حفظ نمایند. شرکت فعال زنان در مبارزات سیاسی جلوه‌ای از آنست، بخش قابل توجهی از مسئولین، کادرها و اعضا سازمانهای ترقیخواه و مردمی را زنان تشکیل می‌دهند.

در برابر ددمنشانه‌ترین تضییقات و تبعیضات و همای شکوفا تر شدن نقش زنان در جنبش همگانی خلق، وظایف مبرمی بر عهده همه نیروهای مترقی قرار گرفته است. افشای روشهای ردیالنه رژیم جمهوری اسلامی در برخورد با زنان، هدایت نفرت ریشه‌داری که در میان زنان نسبت به تبهکاران حاکم ایجاد شده است و سازماندهی نیروی عظیمی که در میان زنان نهفته است، از وظایف درنگ‌ناپذیر هر عنصر و نیروی مترقی و مردمی است.

"مبارزه علیه تبعیضات و هشتناک در زمینه حقوق زن در خانواده و در جامعه که قدم به قدم توسط حکام مرتجع جمهوری اسلامی اعمال می‌شود، مبارزه علیه توطئه راندن زنان از محیط فعالیت اجتماعی و تولیدی به کنج خانه، علیه محروم کردن زنان از امکانات آموزشی، علیه ممنوعیت اشتغال زنان در مشاغل حساس و مهم، مبارزه علیه اجبار زنان به

زن در کلام مارکس، انگلس و لنین

★ همه آن کسانی که اطلاع از تاریخ دارند می‌دانند که تغییرات بزرگ اجتماعی بدون خیمه‌مایه نیروی زن غیر ممکن می‌باشد.

مارکس

★ آنچه که پیشرفت یک دوران تاریخی را تعیین می‌نماید... مناسبات پیشرفت زن با آزادی است، زیرا از میان روابط زن و مرد، قوی و ضعیف، بطور روشن پیروزی طبیعت انسانی بر ددمنشی پدیدار است. درجه آزادی زن طبیعتاً تعیین‌کننده همگانی است...

مارکس

★ ... قویه تنها یک منتقد نیست. طبیعت او که همیشه شوخ است او را یک نویسنده طنز و هجانبوس کرده است... انتقاد او از شکلی که بورژوازی به روابط جنسی داده است و موقعیت زن در اجتماع بورژوازی، بسیار زبردستانه است. او نخستین کسی است که می‌گوید در هر اجتماعی، درجه آزادی زن مقیاس بلایی آزادی همگانی است.

انگلس

★ تا آنزمان که زنهارا خوانده نشوند که نه تنها مستقیماً در مجموعه زندگی سیاسی شرکت نمایند و بطور دائم و کلی یکی از خدمات اجتماعی را به عهده بگیرند، از سوسیالیسم و حتی از دموکراسی واقعی و پایدار نمی‌توان نام برد.

لنین

★ وضع زن بطور اخص و روشن فرق دموکراسی بورژوازی و دموکراسی سوسیالیستی را نشان می‌دهد... در یک جمهوری بورژوازی... هر اندازه هم که دموکراتیک باشد، زن از برابری کامل در هیچ جای دنیا، در هیچ کشوری، حتی جنو افتاده‌ترین آنها برخوردار نیست.

لنین

★ پرولتاریا نمی‌تواند بطور کامل خود را آزاد نماید، بدون این که آزادی کامل برای زنان را به دست آورد.

لنین

★ کار کمونیستی و سیاسی مادر میان توده زنان، مستلزم بخش بزرگی کار تربیتی در میان مردان است.

لنین

پوشیدن لباس مورد پسند ارتجاع همه و همه اجزائی لاینفک از جنبش دموکراتیک و همگانی خلق علیه ارتجاع حاکم است. ما می‌توانیم در این مبارزه نقش باز هم فعال‌تری بر عهده گیریم."

از گزارش هیئت سیاسی به پلنوم مهر کمیته مرکزی

اشکالی

شعری از: اسماعیل شامرویی

شب در انبوه تیرگی خوابید
آسان باخت رنگ چهره خویش
از پس کوه سربرون آورد
مهرتابان دلیر و بی تشویش
خواست چون روز پیشتر گذرد
دست تاریخ ایست داد به آن:
یعنی - ای هشت مارس، آهسته!
یعنی - ای روز افتخار، بمان!

روز آهسته تر به راه گذشت
تا "کلارا" به او نگاه کند،
تابه نیروی سنجید زنان
چاره این شب سپاه کند.

وکلای زنان به هشتم مارس
دست در دست یکدگر دادند،
از ستمها که رفته بود به زن
داستانها به پیش بنهادند.

"کلارا" اندر آن گروه که بود
گفت: ای مادران، قیام کنید!
تا برابر شوید با مردان
خواب در چشم خود حرام کنید!

این سخن، این گرانبها گوهر
ماند بر هر کرانه دریا.
حرف ما انعکاس جاوید نیست
از سخنهاي زنده "کلارا".

رفیق با تصویر حقیقتی دردناک، از ظلم و جور که بر زن روا می‌دارند، از تحقیر و بی‌عدالتی و خشتناکی در جمهوری اسلامی نسبت به زن اعمال می‌شود، از خانواده، حق اشتغال، و از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی می‌نویسد:

"بطور تخمینی میتوان گفت که نزدیک به ۱۰ هزار زن انقلابی و دموکرات در زندانند. بیشتر اعضا و مسئولان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران از جمله رفیق مریم فیروز رهبر این تشکیلات که ۷۲ سال دارد و سالهای زیادی از عمر خود را مصروف مبارزه در راه سعادت زحمتکشان جامعه کرده است، در زندان زیر شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان جمهوری اسلامی قرار دارند... تا امروز بطور تقریبی بیش از ۱۵۰۰ زن انقلابی اعدام شده‌اند."

رفیق دانشتری در ادامه، به انعکاس مبارزه امروز زنان ایران پرداخته و ضمن بیان گوشه‌هایی از این مبارزات درباره خصلت این مبارزه چنین می‌نویسد:

"می‌بینیم که جنبش اعتراضی زنان در عرصه‌های مختلف پیوسته گسترش می‌یابد، این مبارزات در حال حاضر هر چند پراکنده، نامتکامل و غیر مستمر است، اما سنت بنای مبارزات پرتوان و قدرتمند فردای زنان کشور است."

"از رنج و رزم زنان" به مثابه یک سند دقیق، تحولاتی را که زن ایرانی در سر گذراند و وضعیت کنونی زنان میهن‌مان را به روشنی تصویر می‌کند. رفیق دانشتری در بخش بایانی این جزوه، رئوس مطالبات زنان ایران و وتالیف زنان انقلابی را بیان می‌کند. رفیق جزوه آورنده خود را با این جمله به اتمام میرساند:

"تردیدی نیست زنان فدایی همراه یاران هم‌رزمشان، زنان توده‌ای و در اتحاد با دیگر زنان انقلابی، این بار نیز از کوره آزمون تاریخ سرافراز و پیروزمند بیرون خواهند آمد. با آرزوی موفقیت هر چه فزونتر در زندگی و کار و پیکار بی‌امان هم‌زمان پاک باخته، کرم‌ترین و پرفروغ‌ترین درودها را نثارشان می‌کنیم. غرمان استوار و رزمشان پیروز باد!"

از رنج و رزم زنان ایران
بقیه از صفحه اول
کار برابر با مردان، بدون بهره‌وری از مزایا و حقوق ویژه صنفی برای زنان، به کارها توانفرسایی... می‌پردازند."

رفیق دانشتری در ادامه، ضمن برشمردن حقوق فردی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پایمال شده زنان در رژیم شاه به انعکاس گوشه‌هایی از مبارزه زنان در آندوره می‌پردازد. رفیق در این رابطه، از شرکت زنان در اعتصابات کارگری از قبیل اعتصاب جهان چیست، در جنبش اعتراضی وسیع علیه گران کردن بلیت شرکت واحد در سال ۴۸، به همگامی زنان دهقان در جنبش ضد فئودالی اواخر دهه ۴۰ در آذربایجان... یاد می‌کند. جزوه آنگاه به گوشه‌هایی از مبارزه سیاسی زنان علیه رژیم ستم شاهی می‌پردازد:

"تنها از سازمان ۲۸ زن در درگیری‌های شهداد رسیدند، رفیق دانشگری در ادامه بحث خود، به نقش زنان در انقلاب می‌پردازد:

"امروز دیگر کمتر کسی است در دنیا که از شرکت گسترده و اعجاب‌انگیز زنان میهن‌مان در انقلاب اطلاع نداشته باشد. انقلاب ایران یکی از کم تأثیرترین جلوه‌های پیکارجویی زنان را در تاریخ ایران و جهان به نمایش گذاشت..."

رفیق ضمن بیان کم و کیف مبارزه زنان در انقلاب و در این خصوص تأثیرات انقلاب در ارتقاء و بالا بردن دانش سیاسی و هویت‌بخشیدن اجتماعی به زنان، به عملکرد جمهوری اسلامی پیرامون حقوق زنان می‌پردازد:

"بعد از استقرار جمهوری اسلامی، بخش کوچکی از خواستهای زنان در اصول دهم، بیستم و بیست و یکم قانون اساسی ج. ا. بنحوی ناقص منعکس شد. اما این اصول دست و پا شکسته هم روی کاغذ ماند و حقوق زنان برآفتاب بیش از گذشته و حتی بسیار ظالمانه‌تر از آنچه در جوامع سرمایه‌داری بر سر زنان می‌آمد، زیر پا گذاشته شد." میتوان گفت یکی از سیاه‌ترین لکه‌های ننگی که از دامن راستگرایان حاکم و خائنان به انقلاب نازدودنی است، عملکرد آنان در حق زنان بلاکشیده‌است."

زن از دیدگاه مسئولین جمهوری اسلامی

• خمینی

"زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید و بدو عذر شرعی..."

"اگر در این موارد از شوهر اطاعت نکند، بر شوهر واجب نیست که غذا و لباس و مسکن و لوازم دیگر برای او تهیه کند"

(از کتاب توضیح المسایل)

• مشکینی

"دنیا متاعی بیش نیست (یعنی وسیله‌ای برای گذران عمر) و بهترین متاع دنیا همسر شایسته است."

(از کتاب ازدواج در اسلام)

• موسوی بجنوردی (عضو شورای عالی قضائی)

"ما نمی‌خواهیم بتویم تعدد زوجات جایز

نیست. البته که جایز هست چون حکم قرآن است."

• موسوی بجنوردی

"بما موارد هست که زن صرفاً به نسبت عافیه شدید (و بدور از حساب‌نریهای عقلانی و مصالح اجتماعی) با تعدد زوجات همسرش موافقت نمی‌کند، بنابراین اجازه همسر نمی‌تواند و نباید مجبور و مملاک و مجور تعدد زوجات باشد بلکه آنچه به عقل و شرع و مصلحت نزدیکتر است، دقت در صلاحیت مرد است که در عهده دادگاههاست."

(زن روز شماره ۹۷۶)

• مهدوی کرمانی رئیس دادگاه مدنی خاص

"خیلی از زنان داشتن هم‌ورا بخشی از زندگی زن‌شویی می‌دانند."

(اطلاعات اول تیرماه)

• مجله خانواده (نشریه عقیدتی و سیاسی ارتش)

"نظام خلقت الهی، جنس را عامل تقلید و حمایت و جنس ماده را مأمور تولید مثل و تنهایی و مربی آن قرار داده است... بنابراین دانشمندان گفته‌اند که طبیعت و غریزه زن بیشتر پناه‌جویی است که جنس جویی، درست به عکس مرد که از تلاش و پیکار و مبارزه احساس لذت می‌کند، زن از آرامش و پناه‌دگی و حمایت حامیان متلذذ می‌گردد!"

(مجله خانواده ۲۸ شهریور)

• حداد عادل

"همکاران مادر معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای در صددند تا رشته جدیدی به نام رشته مدیریت خانواده برای دختران دانش آموز دبیرستانی ایجاد کنند تا عمر و نیروی آنان به عبث در رشته‌هایی که برای آنان سودی ندارد تلف نشود."

(اطلاعات اول مرداد ۶۳)

مصاحبه "اکثریت"

بایکی از اعضای کمیته اجرایی "زنان پیشرو ترکیه" (ای.کا.د.)
مشعل رزم زنان ترکیه، همچنان فروزان است

ای.کا.د. به منظور آگاه ساختن افکار عمومی جهان در رابطه با مبارزات و وضع زندگی زنان در ترکیه، حیطه فعالیت خود را به خارج از کشور نیز گسترش داده است.

س- بازند انبان سیاسی زن چه رفتاری می‌شود؟

ج- زنان زندانی تحت شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار می‌گیرند و حتی حامله بودن باعث تقلیل شکنجه نمی‌شود. در اعتراض به این مسئله، ۹۱ تن از زندانیان سیاسی زن در زندان آنکارا در سال ۱۹۸۱ دست به اعتصاب غذا زدند و عکس العمل رژیم محتوم کردن آنان به حبس‌های طویل المدت بود.

س- خواست‌های سیاسی ای.کا.د چیست؟

ج- خواست‌های ما بقرار زیر می‌باشد:

آزادی تمام زندانیان سیاسی.

فسخ تمامی قوانین و احکام ارتجاعی که جلوی پیشرفت زنان را می‌گیرد.

منع تعقیب ای.کا.د.

آزادی تشکل برای مبارزه جهت حقوق زنان.

س- آیا برای زنان مرفقی جهان پیامی دارید؟

ج- ما اتمام زنان دمکراتیک و صلح‌جوی دنیا درخواست می‌کنیم تا همبستگی خود را با زنان ترکیه از طریق زیر ابراز نمایند.

فرستادن نامه‌های اعتراضی به سفارتخانه‌های ترکیه

فرستادن نامه‌های همبستگی به زنان زندانی فرستادن نامه به سازمانهای حقوق بشر و تقاضا برای شرکت در محاکمات زنان.

منع کردن وضعیت عمومی ترکیه در نشریات جمع‌آوری امضا برای جنبش آزادی زندانیان سیاسی زن در ترکیه که توسط دفتر خارج از کشور ای.کا.د آغاز شده است.

س- در خاتمه چه پیامی برای زنان ایران دارید؟

ج- وضعیت زنان ترکیه و ایران از بسیاری جهات همانند است و زنان این دو کشور از ناسامانی‌های یکسانی رنج می‌برند. از این رو همبستگی زنان این دو کشور و هماهنگی مبارزاتشان در راه جامعه‌ای رها از ستم، ملیت‌ی و اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد.

میلیون آن را زنان تشکیل می‌دهند. عبارت دیگر: قریب ۷۰ درصد بیسوادان ترکیه زنانند.

س- وظیفه ای.کا.د چیست و چه کارهایی را انجام داده است؟

ج- وظیفه اصلی که ای.کا.د پیش روی خود قرار داده جلب توجه مردم به ستم مضاعفی است که بر زنان کشور روا می‌شود. ای.کا.د تحت شرایط سرکوب و حملات مداوم عوامل ارتجاع به انجام این وظایف پرداخت. پلیس بارها بدون هیچ‌گونه دلیلی به دفاتر ای.کا.د حمله کرده و حتی بارها دفاتر ای.کا.د توسط فاشیست‌ها به آتش کشیده شد. در این رابطه تا بحال ۱۰ نفر از اعضای تشکیلات جان خود را از دست داده‌اند. با وجود این ای.کا.د صاحب احترام و دارای حیطه نفوذی بسیار فراتر از محدوده اعضای خود، زنان بسیاری از طریق ای.کا.د در اتحادیه‌های خود و در سازمانهای دمکراتیک و مرفقی دیگر متشکل گشتند.

س- روی کار آمدن رژیم فاشیستی چه تاثیری بر روی فعالیت‌های ای.کا.د داشته است؟

ج- گسترش سریع ای.کا.د نیروهای ارتجاعی را به وحشت انداخت. مسئولین حکومت نظامی در سال ۱۹۷۹ فعالیت‌های ای.کا.د را معطل ساختند. در اعتراض به این امر بزرگترین راهپیمایی زنان از جنوب، غرب و شمال کشور به پایتخت ترتیب داده شد. با این حال رژیم نظامی که دوازدهم سپتامبر ۱۹۸۰ قدرت را به دست گرفت ای.کا.د را بکلی غیرقانونی اعلام کرد. حکومت نظامی به تعقیب رهبران و فعالین ای.کا.د پرداخت. بسیاری از آنها دستگیر شده و مورد شکنجه قرار گرفتند.

با اینهمه جنایات، ارتجاع هرگز موفق به ریشه‌کن نمودن مبارزات زنان ترکیه نشد. مشعل رزم زنان ترکیه همچنان فروزان است.

زنان ترکیه نیز همچون زنان ایران مبارزه را در شرایط مشکلی پیش می‌برند. ارتجاع مسلط گشته است و هر صدایی را در گلو خفه می‌سازد. زنان ترکیه از یک گذشته قوی مبارزاتی برخوردارند و بارها فرصت آنرا یافته‌اند که متشکل شده و در صفی واحد رزم خود را پیش ببرند.

اکنون پیشتازان جنبش زنان ترکیه در "سازمان زنان پیشرو ترکیه" (ای.کا.د.) گرد آمده‌اند. این سازمان در سوم ژوئن ۱۹۷۵ توسط ۲۰ زن مبارز در استانبول پایه‌گذاری شد. ای.کا.د که از همان آغاز تاسیس همبستگی خود را با کنفدراسیون بین‌المللی زنان دمکراتیک اعلام کرد در سال ۱۹۷۹ بیش از پانزده هزار عضو و ۸۰ شعبه در سراسر کشور داشت. ارگان ماهانه تشکیلات، "صدای زن" تیراژی بیش از ۳۰۰۰ نسخه داشت.

نشریه اکثریت مصاحبه‌ای با یکی از اعضای کمیته اجرایی ای.کا.د ترتیب داده است که خلاصه آن از نظر تان می‌گذرد:

س- زنان ترکیه چند درصد از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و از لحاظ حقوقی چه تفاوتی با مردان دارند؟

ج- زنان ۶۰٪ نیروی کار در کشاورزی را تشکیل می‌دهند. نیم میلیون زن در خدمات عمومی، آموزش و پرورش، بازرگانی و غیره، سیصد هزار نفر در صنعت و بقیه زنان در بخش کشاورزی شاغل می‌باشند.

تفاوت حقوق بین زنان و مردان در کشاورزی ۳۰٪ و بقیه رشته‌ها ۲۴٪ علاوه بر این، زنان شاغل در بخش دولتی به بهانه اینکه نان‌آور اصلی خانواده نیستند مجبورند بیش از مردان مالیات بپردازند.

س- تعداد بیسوادان کشور به چه اندازه است و چند درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند؟

ج- طبق آمار دولت از ۱۲ میلیون بیسواد در کشور

بقیه از صفحه اول

"ما خود را در مبارزه زنان ایران برای آزادی واز بین بردن ظلم و شکنجه، شریک می‌دانیم"

علیه آنان از طرف رژیم جمهوری اسلامی وارد میشود با خبرید می‌خواستیم نظر شما را در رابطه با اوضاع ایران و زنان ایران جوياشوم.

جواب: خلق کامپوچیا در دوران سلطه رژیم پهلوی لحظات بسیار دشوار و رنج‌آوری را سپری کرد. پس از سرنگونی رژیم پهلوی و آزادی کامپوچ تمام تلاش ما در جهت ایجاد یک زندگی آرام و صلح‌آمیز و مرفه برای مردم کامپوچ بوده است. در حال حاضر زنان کامپوچ که خالره دوران سیاه پهلوی را هنوز بخاطر دارند، پشتیبانی و همبستگی کامل خود را با همه زنان دمکرات و زنانی که بخاطر صلح، آزادی، استقلال ملی و ترقی اجتماعی مبارزه میکنند ابراز میدارند. به پیروی از همین اصول است

موارد ماکوش می‌کنیم تا به آنان کمک کنیم تا حقایق و حقانیت انقلاب را دریابند و به راه حزب و مردم ما به پیوندند و در این صورت آنها از تمام حقوق یک عضو جامعه برخوردار خواهند گردید. ما معتقد هستیم و انمینان کامل داریم که پیروزی از آن ماست و ما پیروز میشویم، زیرا که اهداف ما بر حق و عادلانه است. مادر این راه از کمک‌های بی‌شائبه و ویرانه کشور دوست، ویتنام برخورداریم. مادرین حال از همبستگی و پشتیبانی سایر نیروهای مرفقی از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و بخصوص از حمایت اتحاد شوروی بزرگ برخوردار هستیم.

سوال: شما بعنوان نماینده برجسته کامپوچ از وضعیت زنان در کشور من (ایران) و تضییقاتی که

که ما از مبارزه زنان قهرمان ایران بخاطر آزادی و دفاع از حقوق حقه خود پشتیبانی میکنیم. ما سیاست ظالمانه و توأم با شکنجه رژیم حاکم بر ایران را که علیه سازمانهای مرفقی، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همچنین علیه سازمان دمکراتیک زنان ایران عمل میکنند شدیداً محکوم میکنیم ما خود را در مبارزه زنان ایران برای آزادی، از بین بردن ظلم و شکنجه شریک میدانیم. ما از مبارزات آنها قانعانه دفاع میکنیم. ما از حکومت ایران می‌خواهیم که به زندانی ساختن زنان خاتمه داده و به‌خصوص رفیق مریم فیروز مبارزی که بخاطر آزادی و حقوق دمکراتیک در ایران مبارزه میکند از زندان آزاد سازد. ما باریتر بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمام زنان مبارز و انقلابی ایران اعلام می‌داریم.

۶ سال از انتشار نخستین شماره اکثرت گذشت

دوره نخست انتشار نشریه کار درست سه سال بطول کشید.

در اسفندماه ۶۲، اولین شماره دوره دوم نشریه کار انتشار یافت. ارگان کمیته مرکزی سازمان، اینبار وظائف به مراتب سخت‌تر را بر عهده داشت. اوضاع کشور به کلی دگرگون شده بود. حامیان کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، اهرمهای اصلی حکومت را بدست گرفته بودند. جنگ بی فرجام، به یک تراژدی عظیم بدل شده و همه روزه بر فقر و فاقه توده‌ها می‌افزود. حکام جمهوری اسلامی با بی‌تدبیر و سرکوب انقلابیون، فضای خفقان بار بر کشور حاکم کرده بودند. بسیاری از رهبران و فعالین حزب توده ایران و بسیاری از فعالین و کادرهای سازمان ما و دیگر سازمانهای انقلابی، در زندانهای رژیم تحت شکنجه قرار داشتند. بسیاری از انقلابیون و آزادیخواهانی، زیر شکنجه به شهادت رسیده و ببا به جوخه اعدام سپرده شده بودند. در چنین فضائی بود که کار مجدداً آغاز به فعالیت کرد.

در سرمقاله اولین شماره کار در دوره دوم، چنین می‌خوانیم:

"امیدواریم نشریه کار، این پرچم مبارزه انقلابی زحمتکشان ایران، در سال نو و همه سالهای مبارزه انقلابی مردم بتواند، همچنان سلاح نیرومند لایق کارگر، سازمانتر مبارزه انقلابی و زبان گویا و حق طلب توده‌های وسیع خلق ما باشد."

آغاز هفتمین سال انتشار کار را گرامی می‌داریم

از انتشار اولین شماره نشریه کار در تاریخ ۱۹ اسفند ۵۷، شش سال گذشت، هیئت تحریریه کار از همان بدو انتشار وظائف سختین و متعددی را بدوش گرفت. در آنزمان وظیفه اصلی و مقدم نشریه کار، تحلیل اوضاع کشور پس از انقلاب و افشای دشمنان انقلاب بود. کار بی وقفه به افشای جنایات و دسائس امپریالیسم آمریکادر ایران و جهان پرداخت، نقاب انقلابی‌نمائی از چهره اعوان و انصار امپریالیسم در حاکمیت برگرفت، قلمب زاده‌ها و یزیدی‌ها و سایر دوستان آمریکا را رسوا کرد. اسناد وابستگی حزب خلق مسلمان را منتشر نمود و سیاست توطئه‌گرانه مخ انقلاب را، که توسط دولت موقت دنبال میشد، برای توده‌ها شکافت و روشن نمود. کار آینه اخبار و گزارشات مبارزاتی توده‌ها بود. کار افشاکر قشری‌گریها و واپس‌گرائی‌های سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بود. کار اخبار مربوط به جنایاتی که در زندان‌های جمهوری اسلامی رخ میداد را به اطلاع مردم کشور رساند. همتی این اقدامات باعث شد که مردم هر روز بیش از پیش از نشریه کار استقبال کنند. به موازات محبوبیت نشریه کار نزد مردم، خوف و هراس مرتجعین جمهوری اسلامی نیز، از انتشار نشریه کار روبه تزاید گذاشت. برای آنها ادامه انتشار کار غیرقابل تحمل بود. این بیشترین تیرگی و تبهامی بالاخره، در تاریخ ۱۱ اسفندماه سال ۶۰، از انتشار کار جلوگیری کردند.

دولورس ایباروری خطاب به یک مادر ایرانی: "من همواره در کنار شما هستم!"

دولورس ایباروری کومز، زن قهرمان و مبارز اسپانیائی از چهره‌های برجسته تاریخ معاصر جنبش کمونیستی جهان، از رهبران طراز اول جنبش کمونیستی و کارگری اسپانیا و از شاخص‌ترین نمونه‌های یک انسان طراز نوین، یک انسان والا، یک مبارز راه صلح، آزادی، سعادت و بهروزی انسانها، رفع استعمار و تبعیض است. ده‌ها سال مبارزه پیگیر برای والاترین آرمانهای بشری و خصال و ویژگیهای عمیقاً انسانی از دولورس نمونه‌ای آفریده است که به منبع الهام و سرمشق هزاران و هزاران زن و مرد در سراسر جهان بدل شده است.

دولورس ایباروری که به خاطر از جان گذاشتی، قهرمانی و شور و شوق انقلابی در جنتهای داخلی اسپانیا سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۹، "لا پاسیوناریا"، "گل رنج" مردم اسپانیا لقب گرفته است نه فقط تجسم رنج و رزم زنان و مردان، کارگران و زحمتکشان اسپانیائی است بلکه خود تجسم وحدت و پیروزمندی کارگران جهان و "گل رنج" همه ستم‌دیدگان جهان نیز هست.

دولورس که از سال ۱۹۴۵ به دبیری کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا برگزیده شد اینک صدر حزب کمونیست (اسپانیا) می‌باشد. وی بنابر خصلت انترناسیونالیستی خود و حزبش بارها و بارها همبستگی و حمایت خود را از مبارزات مردم ایران و به ویژه مبارزات زنان ایران ابراز داشته است.

مدتی پیش یک مادر مبارز ایرانی، یک زن شاعر انقلابی به نام مریم از ایران، آرمین درخون تنیده‌مان، پیام و شعری برای دولورس فرستاد، ما، عین پیام و ترجمه اسپانیولی آنرا برای دولورس ارسال داشتیم وی در پاسخ یک قطعه عکس، یک جلد کتاب "خاطرات پاسیوناریا در ۱۹۷۷-۱۹۳۹" و یک نامه برای این مادر انقلابی ایرانی فرستاده است که ترجمه کامل آنرا درج می‌نمائیم:

"مریم عزیز! با خواندن پیام زیبای تو، شور و شغف بسیاری در خود احساس کردم. متشکرم دوست من. پیام تو مشوقی بزرگ برای مبارزه ما به خاطر صلح، عدالت و سوسیالیسم می‌باشد.

من همچنان به کار و مبارزه ادامه می‌دهم، و این چنین نیز تا پایان ادامه خواهم داد. خودت خوب می‌دانی که زندگی من به آینده‌ای که همه ما آرزوی آنرا داریم و تو در پیامت از آن بامن صحبت کردی گره خورده است.

مریم، اجازه می‌خواهم که برای تو یک عکس و آخرین کتاب من بنام "اسپانیا آنرا نیاز داشت" بفرستم

همواره به تو و همزمانت فکر می‌کنیم و به زنان کشور. با تمام وجود امیدواریم که بزودی خبر "آزادی" در کشورتان را بشنویم. چرا که نه؟ و اینته بتوانم باشوق تمام در آغوشت بگیرم. می‌دانی که از صمیم قلب در کنار شما هستیم!"

سوالات کنج‌گراانه آنان پاسخهای عادی می‌داد. کامیون که به نزدیکی شهر نور رسید مهرنوش با اکتفا به شناخت اولیه‌ای که از راننده و کمک راننده پیدا کرده بود، تصمیم گرفت آنها را در جریان موقوف بگذار و لذا خیلی جلدی و مصمم آنها را خطاب قرار داد و گفت فدایی است و از چنگال مامورین می‌گریزد. او اهداف سازمان را برای آنان تشریح کرد و به آنان گفت شما دو کار می‌توانید بکنید، یا مرا تحویل پلیس دهید که در این صورت من در راه خلق تیرباران خواهم شد و یا این که مقداری به من پول دهید تا خودم را به تهران برسانم و مبارزه‌ام را ادامه دهم.

راننده کامیون آنچنان تحت تاثیر حرفها و شخصیت رفیق قرار گرفت که با رغبت پذیرفت به او کمک کند. به تنهایی که رسیدند کمک راننده به منزل خواهرش رفت و از آنجا یک چادر و کفش مناسب آورد و به مهرنوش داد. راننده کامیون نیز مقداری پول به او داد و ضمن جداحافظی برای او و بارانش آرزوی موفقیت کرد.

رفیق مهرنوش خواست در قبایل محبتهای آنان حلقه ازدواجش را به عنوان یادبود به آنها هدیه کند ولی راننده کامیون در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود آنرا رد کرد و توصیه کرد مهرنوش آنرا به یاد همسر فداش حفظ کند.

رفیق مهرنوش با موفقیت به تهران رسید و مبارزه خود را بی‌گرفت اودوماه ونیم بعد از این واقعه در مهرماه سال ۵۰ در جریان یک درگیری نابرابر با دژخیمان ساواک بعد از یک مصافحی، قهرمانانه شهید شد."

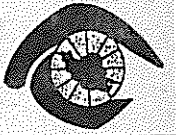
مهرنوش ابراهیمی

بقیه از صفحه ۵

خردند. در همان زمان سرنشینان جیبی که آنها را اسکورت می‌کرد، شروع به تیراندازی کردند، اما مهرنوش و چنیز که از هم جدا شده بودند توانستند از محل حادثه دور شوند. اما ماموران مسلح هم چنان آنها را تعقیب می‌کردند مهرنوش با یک بررسی کوتاه به این نتیجه رسید که نمی‌تواند مسافت زیادی بدویدی آنکه از دید و شلیکهای مامورین ساواک مصون بماند. لذا متهورانه خود را به داخل گودالی که پوشیده از بوته‌های تیغ دار بود انداخت و در آنجا مخفی شد. رفیق بعد از این که مطمئن شد مامورین رد او را گم کرده اند ترجیح داد تا مدتی در همان جا بماند. او یک شبانه روز در آن گودال دراز کشید. مهرنوش تعریف می‌کرد در طی این مدت آنقدر مار در آن نقطه جمع شده بود که او حتی نمی‌توانست پایش را تکان دهد.

نیمه‌های شب دوم تصمیم گرفت از گودال بیرون آمده و از منطقه که پر از نیروهای ساواک و شهربانی شده بود، دور شود. به این منظور خود را سینه خیز به یک مزرعه برنج رساند با گلزار از این مزرعه به لب جاده رسید. از آنجا که در جستجوی آنان، مامورین ساواک اتومبیلها را در جاده بازرسی می‌کردند، او به این نتیجه رسیده بود که برای دور شدن از آن محل فقط می‌تواند جلوی کامیونها را بگیرد. بالاخره یک راننده کامیون او را سوار کرد. کامیون به سمت رشت می‌رفت. مهرنوش با خونسردی در کنار راننده و کمک راننده نشسته بود و به

از میان رویدادها



نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل: هیچ وقت مانگفتیم شرط پایان جنگ سقوط صدام است!

رجایی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل در مصاحبه ای با بی بی سی اظهار داشت که جمهوری اسلامی هیچ گاه سقوط صدام را شرط پایان جنگ نمی دانسته است.

وی در این مصاحبه شرایط جمهوری اسلامی برای پایان دادن به جنگ را چنین برشمرد: "من گمان می کنم شرایط ما شناخته شده است. سه یا چهار شرطی که اعلام کردیم:

۱- ما می خواهیم که تکلیف مهاجم و متجاوز مشخص بشود.

۲- ما می خواهیم تکلیف عراقی هایی که از سرزمین شان رانده شده اند روشن بشود و اینها مجال بازگشت به وطن شان را داشته باشند.

۳- ما می خواهیم تکلیف خسارات و غرامت هایی که بر ما وارد آمده، آنها هم به نحوی روشن باشد."

وی به این سؤال خبرنگاری بی سی که اگر این شرایط تحقق یابد آیا دولت ایران همچنان بر روی سقوط صدام اصرار خواهد کرد؟ چنین پاسخ داد: "در مذاکرات سیاسی که ما در سازمان ملل با در کنفرانس های مطبوعاتی و تلویزیونی ارائه دادیم، هیچوقت ما نگفتیم که شرط پایان جنگ از نظر تحلیل سیاسی یا موضع سیاسی که ما ارائه می دهیم، رفتن صدام است. ما می خواهیم که متجاوز تعیین بشود."

رجایی خراسانی در این مصاحبه تلویحا آمادگی رژیم را برای مذاکره اعلام کرد.

رئیسجانی نیز در خطبه های نماز جمعه تهران (دوم اسفند)، جمهوری اسلامی را صلح طلب نامید.

اثرات انتشار گزارش سازمان ملل در مورد اسرای جنگی ایران و عراق

به دنبال انتشار گزارش هیات تحقیق سازمان ملل در مورد اسرای جنگی ایران و عراق و بدرفتاری با اسرا و شکنجه و آزار جسمانی و روانی آنها در اردوگاههای هر دو کشور، هر دو رژیم ایران و عراق این گزارش را به یک وسیله تبلیغاتی علیه یکدیگر بدل کردند. رفسنجانی در نماز جمعه ۱۱ اسفند تهران ضمن حمله به عراق شدیداً از سازمان ملل نیز به خاطر انتشار این گزارش انتقاد کرد و مضمون این گزارش مستند و غیر قابل انکار را تا آنجایی که با رفتار رژیم ایران با اسرای عراقی برمی گشت، تکذیب نمود!

میر حسین موسوی برای این که از اعتراضات جهانی علیه بد رفتاری با اسراد در ایران کاسته شود در اوایل هفته گذشته اعلام کرد ایران آماده است اسرای معطل و مجروح عراقی را آزاد کند.

عکس هایی که در زیر می بینید، بیانگر نحوه رفتار در منشانه رژیم ایران با اسرای عراقی است. در

عکسهای زیر دیده می شود که چگونه دژخیمان جمهوری اسلامی با بستن دست یک اسیر عراقی به یک خودرو، آن را از کتف جدا می کنند. آنها با به حرکت در آوردن خودرو این سرباز اسیر را آتشدان بر روی زمین کشادند، تا اجزا تن او از هم گسسته شد.

انتشار این عکسها افکار عمومی را در سطح جهانی به شدت تکان داد. رژیم جمهوری اسلامی از یک گروه فیلمبردار ایتالیایی به خاطر انتشار این عکسها تقاضای دو میلیون مارک غرامت کرده است!



عملکردش ماهه وزارت اطلاعات

ری شهری، وزیر اطلاعات (ساواک) جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی، بخش هایی از عملکردش ماهه وزارت اطلاعات را برشمرد.

وی در ابتدای مصاحبه خود با لحن و الفاظی که یاد ثابتی مقام امنیتی رژیم پیشین را زنده می کرد در مورد اهمیت دستگاه جاسوسی و خبرچینی برای جمهوری اسلامی گفت: "سیستم اطلاعاتی برای کشور، نقش سیستم اعصاب برای بدن را دارد."

ری شهری از این که بلافاصله بعد از استقرار جمهوری اسلامی یک دستگاه اطلاعاتی برای سرکوب سیستماتیک نیروهای انقلابی ایجاد شده بود اظهار تاسف کرد و گفت یک سال و نیم بعد از انقلاب بود که فکر تشکیل دستگاه اطلاعاتی واحد شکل گرفت و از خرداد ۶۰ به بعد در جهت ایجاد این دستگاه حرکت شد. ری شهری گفت در آغاز کار "مشکلی که وجود داشت مشکل عدم تمرکز بود. چندین ارگان بطور رسمی کار اطلاعاتی می کردند و البته بیشترین کار

مربوط به سپاه بود و کمیته ها و دفتر اطلاعات - تحقیقات نخست وزیری و دادستانی ها نیز کار می کردند. گاه می شد که در آن واحد در مورد یک سوژه چند ارگان کار می کردند و نیرو وقت و امکانات مالی تلف می شد و چه بسا سوژه ها نیز بواسطه همین عدم تمرکز از دست می رفتند. این قبیل مشکلات و مشکلات دیگر فکر تشکیل یک مرجع متمرکز برای کار اطلاعاتی را تعمیق نمود."

رئیس ساواک جمهوری اسلامی در این مصاحبه در مورد وضعیت کنونی وزارت اطلاعات گفت این وزارتخانه اکنون کاملاً شکل گرفته، بر دیگر ارگانهای اطلاعاتی سيطرة یافته و در همه استانها، شهرستانها و شهرها تشکیلات خود را مستقر کرده است. وی در این مورد افزود "مهمترین کاری که تاکنون وزارت اطلاعات انجام داده، سازماندهی تشکیلات جدید است. از ابتدا که مسؤلیت سازمان اطلاعات به دوشان افتاد، کمیته هایی تشکیل دادیم و کمیته ای نیز برای سازماندهی تشکیل شد که بیشترین وقت وزارت اطلاعات نیز در این رابطه مصروف شده است. در حال حاضر افرادی که در گذشته در کار اطلاعات بوده اند به صورت مامور به خدمت در وزارت اطلاعات مشغول به خدمت هستند. در این میان افرادی که کار آنها صرفاً اطلاعات نظامی و انتظامی بوده مستثنی هستند و کماکان در واحدهای خود مشغول به کار هستند و البته کار آنها با هماهنگی وزارت اطلاعات انجام می شود."

لازم به ذکر است که یکی از منابع مهم تامین کادر برای وزارت اطلاعات پاسدارانی است که ظاهراً از سپاه و کمیته استعفا داده و ژست مخالفت با رژیم را گرفته اند. بر اساس خبرهای دریافتی وزارت اطلاعات پاسداران مشخصی را جذب خود کرده و به آنها می گوید با حالت اعتراض از سپاه با کمیته استعفا دهند و خود را در انتظار عموم مخالف رژیم جلوه دهند.

وزارت بازرگانی مجری تصمیمات سران بازار

سران بازار در اوایل دی ماه جلسه ای با شرکت اعضای هیات مدیره ۲۶ اتحادیه صنفی تشکیل داد و در طی آن ضمن پشتیبانی از کمیته غیرقانونی امور صنفی خواهان تشکیل "شوراهای مرکزی اصناف" شده بودند. هدف سران بازار از تشکیل این شوراهای ایجاد یک تشکل قوی برای پیشبرد سیاستهای غارتگرانه شان بود.

اخیراً - به دنبال تاکید وی که خمینی در پیام ۲۲ بهمن خود بر روی حمایت از بازار کرد - معاون شبکه های توزیع وزارت بازرگانی پیروی این وزارتخانه را از خواسته های کلان تاجران، مبنی بر تشکیل شوراهای مرکزی اصناف در سراسر کشور اعلام نمود. وی در مورد نحوه تشکیل این شوراهای گفت: "هر رشته صنفی می تواند مقدمات اتحادیه ای را تشکیل و نمایندگانی را انتخاب و سپس از میان افراد انتخاب شده، روسای شوراهای مرکزی اصناف را انتخاب خواهند کرد و این منتخبین مجری قانون نظام صنفی در هر شهرستان می باشند. این شوراهای ولیقه دارند که قیمت ها را مشخص کرده و نظارت کامل بر عملکرد اصناف داشته باشند."

به این ترتیب کشاکش چند ماهه ای که بر سر سر نوشت کمیته امور صنفی در گرفته بود، با پیروزی کامل سران بازار (علی الظاهر) خاتمه یافت.

آرمان انتشار خود را از سر گرفت



"آرمان" نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران از نومنتشر شد. این نشریه در شماره نخستین دوره جدید و تلایف خود راچنین برمی‌شمرد: "آرمان با وظیفه دفاع از آزادیهای سیاسی و اجتماعی، مبارزه در راه آرمانهای جوانان زحمتکش کارگر، دهقانان، دانش‌آموز و دانشجوی، پیکار در راستای به کرسی نشاندن خواسته‌های عادلانه دختران و زنان جوان ایرانی و بالاخره دفاع از هنر و ادبیات و فرهنگ ایرانی و بازتاب فرهنگ مترقی جهانی، پیکار خستگی‌ناپذیر خود را آغاز می‌کند."

ما برای دست‌اندرکاران این نشریه آرزوی موفقیت کرده و مطالعه آرمان را به همه رفقا و دوستان توصیه می‌کنیم.

منتشر شد

تقویم سال ۱۳۶۲

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱۳۶۲

تحریر: سید علی‌اکبر
تألیف: سید علی‌اکبر
روز چهارشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۲ هجری شمسی
مکان: تهران
۲۰ مارس ۱۹۸۵ میلادی
۲۷ جمادی الاخره ۱۴۰۵ هجری قمری

اخلاقی آشکار دارند به محیط مقدس دانشگاه، جلوگیری شود.

وی در همین مصاحبه در مورد همه ارکان‌های اطلاعاتی، انتظامی و ... در کشور گفت: "در شورای عالی انقلاب فرهنگی روی این مساله توافق شد که جمهوری اسلامی به افرادی که صادقانه در خدمت این نظام هستند به نحوی پاداش بدهد و امتیازاتی برای آنها قائل شود چون این افراد مسلماً از مفیدترین و وفادارترین عناصری هستند که در خدمت نظام می‌باشند."

تشتت و آشفتگی در حزب جمهوری اسلامی است. خامنه‌ای در این پیام اختلافات درونی حزب را القابی توصیف کرد و گفت: "امروز گروه‌های فشار و باند‌های بی‌نام ولی‌فعالی وجود دارند که مایلند با معارضه‌های خود، حزب را در موضع انفعال قرار داده، به مبارزات بی‌هدف و بوج سرگرم سازند. همچنین کسانی هستند که به تزییق اختلاف و دست‌بندی به داخل حزب همت گذاشته‌اند. افرادی نیز وجود دارند که حزب را به عدول از مواضع خود متهم می‌سازند."

خامنه‌ای در این پیام هراس خود را از درهم پاشیدن حزب جمهوری اسلامی در جریان تدارک و برگزاری کنگره دوم این حزب منعکس ساخته و در این مورد گفته است: "کنگره دوم حزب یکی از مقاطع حیاتی و تعیین‌کننده است. برگزاری و سلامت و پرباری این کنگره وظیفه‌ایست که کلیه کادرها و اعضا در آن سهیمند. هرگونه کارشکنی در برگزاری سالم و کامل این کنگره به معنای ایجاد مانع در ادامه حیات حزب است."

در همین رابطه خامنه‌ای از اعضای حزب حاکم خواسته است "در آستانه تشکیل دومین کنگره از شایعه‌پراکنی و جوسازی ... پرهیز کنند."

تعطیل ۱۵ بوتیک در تهران

اخیراً در تهران جریانی مشابه با جریان "حجاب" علیه بوتیک‌ها راه انداخته‌اند. در اواخر بهمن ماه به دستور دادستانی عمومی تهران ۱۵۰ بوتیک به اشغال کمیته‌ها درآمد و تعطیل شد. علت این اقدام "اشاعه فساد" از جانب این گونه فروشنده‌ها ذکر شده است.

به دنبال تعطیل شدن این بوتیک‌ها، پیام‌های متعددی از سوی انجمن‌های اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، کمیته، سپاه و دیگر نهادهای مشابه، در پشتیبانی از این اقدام انتشار یافت.

دو روز بعد از اشغال ۱۵۰ بوتیک، کمیته انقلاب اسلامی ضمن انتشار الملاحیه‌ای از بقیه بوتیک‌دارهای تهران خواست که ظرف یک هفته بادر دست داشتن مدارک شخصی و سند مالکیت مغازه‌هایشان به کمیته‌های ناحیه خود مراجعه کنند. در این الملاحیه به کسانی نیز که موازین حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند شدیداً اخطار شده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی ضوابط گزینش دانشجو را مشخص کرد

ابرج فاضل، وزیر فرهنگ و آموزش عالی در طی مصاحبه‌ای اعلام کرد ضوابط گزینش دانشجو برای سال آینده مشخص شده است. وی در این مورد گفت: "لی بحثیهای مفصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی ضوابط دقیق گزینش دانشجو را مشخص کرده است و مقرر شد که ضوابط گزینش و نحوه استعلام از مرکز مملتی و موثق (منظور آقای وزیر وزارت اطلاعات است) در سال آینده به مورد اجرا گذاشته شود تا تکرانیهای سال قبل ناشی از ناهماهنگی در گزینش به کلی در سال آینده رفع شود و در عین حال از ورود افرادی که به تشخیص مراجع صالح با موازین جمهوری اسلامی عناد دارند و یا اشخاصی که فساد

بودجه سال ۶۴ تصویب شد

بودجه سال ۶۴ از تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی گذشت. پیش از آغاز به بحث در مورد بودجه، کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تغییراتی در لایحه پیشنهادی دولت وارد نمود. مطابق با این تغییرات رقم مربوط به درآمد حاصل از فروش نفت، کاسته شد و در عوض بر میزان مالیات‌ها افزوده گشت و بر روی برخی از برنامه‌های عمرانی قلم کشیده شد. باید توجه داشت که برنامه‌های عمرانی سهم بسیار اندکی از بودجه را به خود اختصاص می‌دهند. درشت‌ترین ارقام بودجه به مخارج جنگی رژیم اختصاص دارد.

علت تغییراتی که در لایحه بودجه سال ۶۴ ایجاد شده کاهش درآمد رژیم از محل فروش نفت به دلایل کاهش قیمت نفت در اجلاس اخیر اوپک و افزایش نرخ بیمه نفت کش‌ها به دنبال تشدید جنگ در عرصه دریای و اطراف جزیره خارک است. کاهش درآمد نفت در حالی که بخش مهم این درآمد به تداوم جنگ و خریدهای تسلیحاتی اختصاص یافته، رژیم را با مشکلات عظیمی دست به کربان کرده است.

حقوق کارمندان افزایش پیدا نخواهد کرد

اخیراً دبیرکل سازمان اموراداری و استخدامی کشور در مصاحبه‌ای که در روزنامه جمهوری اسلامی (۲۷ بهمن) چاپ شد مجدداً اعلام کرد دولت حقوق کارمندان را افزایش نخواهد داد. علت این امر اثرات تورمی افزایش حقوق ذکر شده است. در حال حاضر درآمد ثابت و اندک اکثریت کارمندان به هیچ‌رو برای مقابله با گرانی و تورم موجود و گران زندگی کفاف نمی‌دهد. در موارد بسیاری حتی بیش از دو سوم حقوق کارمندان دولت صرف پرداخت اجاره منزل می‌شود و با آنچه که می‌ماند نمی‌توان از عهده خرید حداقل مایحتاج زندگی برآمد.

تنها ۲۳ هزار دانشجو در خارج از کشور رز دریافت می‌کنند

معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در گفتگویی با روزنامه کیهان اعلام کرد از ۶۳ هزار دانشجویی که در خارج پرونده ارزی دارند، تنها ۲۳ هزار نفر آنها رز دریافت می‌کنند. وی در این مصاحبه گفت اکثر دانشجویان بعد از اتمام تحصیل به دلیل "دفاع‌هایی که در داخل کشور وجود دارد" به کشور بازمی‌گردند، لذا وزارت فرهنگ و آموزش عالی تصمیم گرفته است از همه کسانی که برای تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌شوند وثیقه ملکی بگیرد تا بعد از پایان تحصیلاتشان به کشور بازگردند.

پیام خامنه‌ای در سالگرد تشکیل حزب جمهوری اسلامی

خامنه‌ای رئیس جمهور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی به مناسبت ششمین سالگرد تأسیس این حزب پیامی انتشار داد که مهمترین مطلب مطرح در آن



تجربین

در موسسات تولیدی کشور، زنان کارگر را به کارهای بدنی طاقت فرسا و می دارند. هرگاه زنان از انجام آن سرباز زنند، بلافاصله اخراج می شوند. در کارخانه موتوژن تبریز یکی از کارهاییک به زنان محول کرده اند، حمل قطعاتی به وزن ۱۸ کیلوگرم است. زنان کارگر ناگزیرند در طول روز مدوما این قطعات سنگین را جابجا نمایند. سلامتی آنها به طور جدی دچار مخاطره شده است.

نوشهر

در اوایل دی ماه مرکز رفاه خانواده شهرستان نوشهر را تعطیل کردند. این بار هم مثل همیشه دلیل مسئولین کمبود بودجه بود.

اطفال خردسال کارمندان این شهر ساعتی از روز در مرکز رفاه خانواده نگهداری می شدند. با این تصمیم مسئولین، راهی جز استعفا در پیش پای کارمندان زن باقی نمی ماند. حدود چهل تن از این کارمندان در اعتراض به این تصمیم به طور دسته جمعی به فرمانداری شهر مراجعه کردند و در ملاقات با فرماندار به شدت نسبت به این تصمیم اعتراض نمودند.

قم

در شهر قم نیز مانند دیگر شهرهای کشور زنان ناگزیرند برای دریافت مایحتاج اولیه و کالاهای سهمیه بندی شده، بخش مهمی از وقت روزانه خود را در صف های دراز بگذرانند. بسیاری از اوقات پس از ساعت انتظار ناچار می شوند، دست خالی به خانه هایشان بازگردند. این وضعیت در این شهر نیز اعتراضات زیادی را برانگیخته است. از جمله چندی پیش زنان زحمتکش یکی از محلات فقیرنشین، پس از اینکه از هفته ها انتظار برای دریافت تخم مرغ نتیجه ای نگرفتند، گرد هم آمده و دست به اعتراض زدند. آنها دسته جمعی به ارگانهای مربوطه مراجعه نمودند و ضمن طرح اعتراض اظهار کردند که در صورت ادامه این وضعیت دست به اقدامات حادی خواهند زد.

ارومیه

از سوی کمیته امر به معروف و نهی از منکر چندی پیش، بخشنامه ای برای مدارس دخترانه این شهر فرستاده شده است. این بخشنامه تمامیه نوع پوشش دختران دانش آموز مربوط می شود. طبق مفاد این بخشنامه حتی کوچکترین جزئیات لباس محصلین نیز باید مطابق نظر کمیته امر به معروف و نهی از منکر باشد. در بخشنامه آمده است "مقنعه باید سر و چانه و نصف بدن را بپوشاند و مانند تارتدیکي قوزک پا همراه با شلوار کشاد و کش بدون پاشنه باشد. لباسهاحتما باید از رنگهای تیره انتخاب شود" اجرای این دستورات برای همه دختران مدارس و حتی کودکان مهد کودک های باقیمانده اجباری است "هر کس غیر از این بپوشد مورد مواخذه

و تنبیه قرار می گیرد" یکی از روزها که تنی چند از دختر بچه های دبستان شهرک فرهنگیان با روستی سر کلاس حاضر شدند، آنها را بیرون کشیده و با تحقیر از مدرسه بیرون کردند. به این کودکان گفتند که "بروید تا وقتی حجابتان را کامل نکردید برنگردید"

تهران

روز ۱۷ دی را رژیم جمهوری اسلامی "روز حجاب" نامیده است. در این روز اکیپ های بیشتری از واحدهای امر به معروف و نهی از منکر در خیابان های تهران پرسه می زدند. در این روز عده زیادی از مردم، به ویژه زنان را به بهانه عدم رعایت حجاب و شئون اسلامی دستگیر کرده و در محل ستاد این ارگان که در خیابان کاندی واقع است، زندانی نمودند. هر زن و مرد جوانی که از خیابان عبور می کردند، مورد پرس و جو قرار می گرفتند. آنها اگر نمی توانستند اثبات کنند که زن و شوهر و یا برادر و خواهرند، بازداشت می شدند. کارمندان زن و مردی که به اتفاق هم در پایان کار از اداره خارج می شدند، در همان خیابان تحت بازجویی قرار می گرفتند. از یک مهمانی ۵۰ دختر و پسر را دستگیر نمودند. تعدادی از دستگیرشدگان را در محل ستاد امر به معروف شلاق زدند.

تهران - بخشی از یک نامه :

"... در زندان زنان اوین تعداد زندانیان بسیار زیاد است. عده زیادی از آنها در سنین بسیار پائین (۱۷-۱۲) هستند. هر کدام از آنها چند سال است که در همین جاسر می بوند. در همین جاسر می بوند. جمهوری اسلامی این دختر بچه ها، این غنچه ها را سالها در قفس نگهداشت و پرپر کرد. آنها همیشه غمزه هستند. وقتی که هر سال اول مهر می شود و فصل مدرسه فرا می رسد، آنها چنان بی تاب می شوند که بعضی وقتها در حالیکه در گوشه ای کز می کنند تا ساعتها آرام آرام گریه می کنند. زندانیان ها از این مایه برای هر ذلتی استفاده می کنند.

عده ای از زندانیان، پیرزنها پنجاه شصت و یا هفتاد ساله هستند. تقریباً همه آنها را بخاطر پناه دادن یا کمک کردن به فرزندانشان دستگیر کردند. حتی یک نفر از آنها نیست که مریض نباشد. محیط عذاب آور سول برایشان تحمل ناپذیر است. عده ای از این زندانیان کسانی هستند که بتازگی فرزند جوانشان را اعدام کردند. اما اگر این مادران پیر در مرک فرزندشان گریه کنند فوراً مجازات می شوند.

غذای بند چه از نظر کیفی و چه کمی بسیار بد است. هوای بند کثیف است. همه جای بند آلوده است و... اما بدترین مشکلات تنگی جا است. زنان ناچارند شبها به پهلو و کتابی بخوابند بعضی از آنها حامله هستند. اصلاً برایشان مقدور نیست به این ترتیب و به طور فشرده بخوابند. یکی از اینها شانس آورد و توانست اجازه بگیرد که شبها در دستوئی بخوابد.

بعضی از این زنان را همراه با کودکان زندانی کرده اند. شما خودتان می دانید که به یک طفل خردسال یا نوزاد در سلول چه می گذرد. این نونهالان را مجبور کردند که ماهها در ازدحام یک سلول یا اتاقی کوچک و نیمه تاریک و آلوده سر کنند. من هیچوقت در تمام عمر نمی توانم چشمان

مضطرب این کودکان معصوم را از یاد ببرم. هیچوقت نمی توانم بیاد آنها بیفتم و اشک از چشمم سرازیر نشود. سگ بر اربابان جلادان اوین شرف دارد. رفتار بازجوها با دختران تحقیر آمیز و چندان آوار است. از هیچگونه رفتار مشتمل کننده ای ابا ندارند. می خواهند روحیه آنها را بشکنند. زنان را با بهانه های مختلف با شلاق تعزیر می کنند. پیدا شدن یک تار مو از زیر مقنعه، صحبت کردن با افراد سر موضع و یا هر صحبت مشکوک، نحوه صحبت در حین ملاقات و یا هر گزارش یک تواب منخ، باعث شلاق خوردن می شود.

در زندان زنان همه چیز ممنوع است. ورزش کردن ممنوع، کتاب خواندن ممنوع، کار دستی درست کردن ممنوع، استفاده از کتابهای درسی برای دختران دانش آموزان ممنوع، ..."

اصفهان

روز ۱۲ بهمن ماه مردم دهنو اصفهان در یک حرکت خشمگین اعتراضی جاده ای را که از این محل می گذرد مسدود ساختند. در این حرکت نیز زنان نقش فعال و برجسته ای ایفا کردند. زنان و مردان دهنو (که در حد فاصل دروازه تهران و فلکه دانشگاه صنعتی قرار دارد) در حالیکه شعار می دادند با به آتش کشیدن دهها لاستیک اتوبان تهران - اصفهان را بستند و در همانجا روی جاده بست نشستند. به این ترتیب رفت و آمد وسائل نقلیه در این مسیر بکلی متوقف گردید. علت این اقدام اهالی دهنو اعتراض به تصمیم مسئولین مبنی بر ندادن دفترچه ارزاق شهری به ساکنین دهنو بود. مقامات مسئول به آنها گفته بودند چون شما روستائی هستید دفترچه کوپن ارزاق روستائی باید بگیریید. با دفترچه کوپن روستائی مرغ و تخم مرغ نمی دهند. در جواب اعتراض اولیه مردم گفته بودند خودتان بروید مرغ و تخم مرغ کنید. عملاً مردم را مجبور کرده بودند که اینگونه کالاها را از بازار سیاه بخرند. تحمل این وضع برای زحمتکشان دهنو ممکن نبود. آنها به مقامات مسئول پاسخ داده بودند که اگر روستائی هستیم چرا شهرداری هر روز انواع و اقسام مالیات از ما می گیرد. اگر شهری هستیم چرا دفترچه شهری نمی دهید.

در اعتراض به این وضعیت بر زمینه نغرت عمومی از رژیم جمهوری اسلامی دو هزار تن از زحمتکشان دهنو دست به این اقدام متهورانه زدند و در پی آن هزاران تن از سر نشینان وسائل نقلیه در دو طرف محل اجتماع کردند. اهالی دهنو در میان آنها دست به کار افشاگرانه زدند و با توضیح دلائل این اقدام حمایت آنها را برانگیختند.

سپاه پاسداران بلافاصله به محل آمد اما تهدیدات آنها ره بجائی نبرد. زنان و مردان دهنو مصمم و استوار خواست برحق خود را مطالبه می کردند. اراجیف مسئولین محلی و مقامات سپاه مبنی بر اینکه در "دهه فجر" این حرکات صلاح نیست با پوزخند مردم مواجه شده بود. مردم دهنو تا ۲۴ ساعت جاده را تحت کنترل خود نگهداشته بودند و تنها پس از اینکه با خواست آنان موافقت کردند، اجازه دادند تردد در این جاده از سر گرفته شود.

این حرکت بزرگ اعتراضی در شهر و استان اصفهان بازتاب گسترده ای یافت و با موجی از پشتیبانی روبرو گردید.

شهری

منطقه دولت آباد شهری میزبان با سالتزد انقلاب صحنه شورشهای یک حرکت اعتراضی یکپارچه و خشمگین زحمتکشان علیه رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی گردید. این حرکت رزمجویانه در واکنش به تصمیم مسئولین رژیم در تصاحب منازل آنان صورت گرفت.

دولت آباد در نزدیکی شهری و در جنوب شرقی تهران واقع است، پیش از انقلاب، غلامرضا پهلوی با نصب اراضی این منطقه مجتمع مسکونی بزرگی تاسیس کرده بود. با پیروزی انقلاب، زحمتکشان دولت آباد این مجتمع را که دیرتر آماده تحویل شده بود، مصادره کرده و در آپارتمانهای آن سکونت گزیدند.

از یک سال قبل ارکانهای دولتی جمهوری اسلامی به ساکنین این آپارتمانها اطلاع داده بودند که باید قیمت روز این خانهها را بپردازند و یا آنها را تخلیه نمایند. مردم زحمتکش دولت آباد وقتی به این دستور نهادند. آنها سکونت در این مجتمع مصادره شده را حق بدیهی خود می دانستند. آنها با نثار خون خویش امثال غلامرضا پهلوی را فراری داده بودند که به مطالبات خویش دست یابند. از این رومهم شدند در برابر اخلاف، این خائنین نیز تسلیم نشوند. نامورین دولتی با فشارهای یکساله تنها توانستند گروه اندکی را به پرداخت بخشی از بهای این خانهها وادار سازند. از این افراد در طول این مدت تا ۶۰ هزار ریال اخذ کردند.

رژیم جمهوری اسلامی وقتی که نتوانست به این ترتیب مردم دولت آباد را تسلیم نماید، تصمیم به استفاده از قوه قهریه گرفت. در روز ۱۸ بهمن ماه به ساکنین آپارتمانهای مصادره شده اولتیماتوم دادند که باید ظرف ۴۸ ساعت منازل خود را تخلیه کرده و تحویل دهند. این اولتیماتوم شامل همه ساکنین این مجتمع و حتی کسانی که اقسا اولیه را پرداخته بودند نیز می گردید. به زحمتکشان دولت آباد اطلاع شد که پس از ۴۸ ساعت با توسل به زور این منازل را تخلیه خواهند کرد.

علیرغم تندی وحدت تهدیدات کسی به این اولتیماتوم وقتی نهاد. تخلیه خانهها به کلی ناممکن بود و آوارگی در کوچه و خیابان را در سرمای زمستان در پی داشت. اما با وجود این پس از ختم این مهلت در روز ۲۰ بهمن گماشتگان سرمداران سفاک جمهوری اسلامی با پشتیبانی نفرات مسلح ارکانهای سرکوب به دولت آباد یورش بردند و کلیه اشاعیه ساکنین مجتمع را به خیابان ریختند. این وحشیگری رژیم صحنه درد انگیزی ایجاد کرده بود. کودکان سرگردان شده در خیابان از سرمای سخت بهمن ماه تهران به خود می لرزیدند و اشاعیه مختصر این زحمتکشان در میان آب و گل ولوده بود.

در برابر این رفتار بی شرمانه، مردم دولت آباد در یک حرکت اعتراضی انزجار خود را نسبت به این رژیم ضد مردمی ابراز داشتند. در این حرکت زنان در پیشاپیش قرار داشتند. آنها همراه با مردان در حالیکه شعارهای تندی علیه سرکردگان خائن رژیم جمهوری اسلامی می دادند، جاده اصلی دولت آباد را سد کردند و وسیعاً دست به افشاکاری زدند. در مقابل با این اقدام دلیرانه، پاسداران کمینته و دیگر واحدهای سرکوب منطقه را محاصره کردند. ولی علیرغم خشونت سرکوبگران، مردم دولت آباد تا سه روز (۲۱، ۲۲، ۲۳ بهمن) به این حرکت اعتراضی و مقاومت دسته جمعی ادامه دادند.

رویدادهای جهان



خطر تجاوز علنی آمریکا به نیکاراگوئه

هفته گذشته جهان شاهد براه افتادن موجی از خشم و انزجار نسبت به اظهارات بشماره اخیر ریئیس جمهوری آمریکا علیه نیکاراگوئه انقلابی بود. وی طی یک کنفرانس مطبوعاتی، خطاب به دولت ساندنیستی ماناکوا "اولتیماتوم" داد که اعضای سابق "کارد ملی" دیکتاتوری سوموزا باید در حکومت شریک شوند، او افزود در غیر این صورت، آمریکا دولت نیکاراگوئه را ستون خواهد کرد. افکار عمومی، احزاب و سازمانهای صلح دوست و ترقیخواه و کشورهای سوسیالیستی و انقلابی اظهارات شرورانه تازه رهبران دولت آمریکا را بعنوان جلوه بارزی از تروریسم دولتی مستحکم کردند.

اقدامات تجاوزگرانه و سرکوبگرانه اسرائیل در لبنان

بیش از ۲ هزار سرباز اسرائیلی در هفته گذشته به چندین روستا در جنوب لبنان حمله ور شدند. تنها در روستای "سراغریه" هفت تن از اهالی حین این عملیات به قتل رسیدند. شمار روستاها که به بیش از ۱۵۰ تن می رسد. رشید فخری نماینده لبنان در سازمان ملل متحد طی نامه ای به پرز و کوئینا و دیگر کل این سازمان نسبت به حملات، بازداشتها و کشتارهایی که اسرائیل در مناطق اشغالی لبنان انجام می دهد، اعتراض نمود. لبنان همچنین خواهان تشکیل اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد گردید. در دستور کار این اجلاس، بررسی اقدامات تجاوزگرانه و سرکوبگرانه اسرائیل علیه اهالی غیرنظامی لبنان قرار دارد. در یادداشت اعتراضی لبنان، ۲۰ مورد اقدامات تروریستی صهیونیستها در هفته گذشته بر شمرده شده است. به گزارش روزنامه های لبنان، بیش از ۴۰۰ تن از اهالی مناطق اشغالی لبنان از این مناطق انتقال یافته اند و توسط سربازان صهیونیست به جای نامعلومی برده شده اند. در خود اسرائیل جنبش ضد جنگ لبنان روبه گسترش است. تعداد کثیری از والدین سربازان مستقر در لبنان، در جلوی دفتر نخست وزیری اسرائیل دست به تظاهرات زده و خواهان پایان دادن به اشغال جنوب لبنان شدند. سختگوی این گروه گفت برنامه اخیر دولت مبنی بر عقب نشینی محدود از لبنان سربازان اسرائیلی را همچنان در معرض حملات پارتیزانهای لبنانی می گذارد. و این امر هر روز قربانی های تازه ای می گیرد.

در کنست، پارلمان اسرائیل، دو تقاضای رای عدم اعتماد به سبب ادامه ماجراجویی در لبنان علیه دولت مطرح شده است. جبهه دموکراتیک چاداش (که حزب کمونیست در آن حضور دارد) و "لیست مترقی صلح" خواهان عزل دولت پرز گردیده اند. اوزی بورشتاین، سختگوی دفتر سیاسی حزب کمونیست اسرائیل بار دیگر جنایات اسرائیل در

لبنان را محکوم کرد و گفت مقاومت لبنانی-فلسطین ریشه در میان توده های مردم دارد و نمی توان آن را بزور اسلحه برانود آورد. در اسرائیل حزب کمونیست این کشور بیست و هفتمین پلنوم کمیته مرکزی خود را برگزار کرد. بنیامین گون، عضو دفتر سیاسی، در این نشست گفت: "عقب نشینی از لبنان بنابه خواست داولمبنانه دولت پرز-شامیر - را بین انجام نمی گیرد، بلکه شمره شکست نظامی و به ویژه سیاسی نقشه های دولتن اسرائیل و آمریکا از هنگام تجاوز به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ است."

رفیق آلوارو کونیال: از ۱/۵ میلیون پرتغالی ۲۰۰ هزار نفر عضو حزب کمونیست اند

رفیق آلوارو کونیال دبیر کل حزب کمونیست پرتغال طی یک کنفرانس مطبوعاتی در برلن، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان گفت حزب کمونیست پرتغال برای دورته داشتن زیر دریایی های حامل سلاح اتمی آمریکا از بنادر پرتغال مبارزه می کند. وی افزود جنبش صلح پرتغال هدف جلوگیری از استقرار سلاحهای اتمی ناتو در خاک پرتغال را فروری خود قرار داده است.

رفیق کونیال در این کنفرانس همچنین به تشریح نقش فزاینده حزب کمونیست پرتغال در زندگی اجتماعی و سیاسی کشور پرداخت و گفت: امروز از ۱/۵ میلیون پرتغالی بیش از ۲۰۰ هزار نفر در حزب کمونیست عضویت دارند. در حالیکه نیروی اصلی حزب در منطقه لیسبون و مناطق جنوبی متمرکز است، در شمال کشور نیز تحت شرایط پیچیده، پیشرفتهای بزرگی تحقق یافته است. در شهر شمالی پورتو، حزب اینک ۲۵ هزار عضو داشته و ۳۰ درصد آرا انتخاباتی را به خود اختصاص می دهد.

جنایت تازه ضد انقلابیون افغانی

در استان هرات افغانستان طی بمب گذاری اشرار ضد انقلابی در یک مسجد پنج تن از نمازگزاران به قتل رسیدند. نمازخانه و واحد مسکونی همجوار آن در مسجد پس از انفجار بمب در آتش سوخت. به گزارش خبرگزاری باخترا، مقامات دولتی از محل بودجه یک صندوق مخصوص مبلغ لازم را برای احیای این مسجد اختصاص دادند. طی یک سال گذشته دولت افغانستان ۱۲۴ میلیون افغانی صرف بازسازی مساجد و سایر مراکز مذهبی ای کرده است که توسط ضد انقلابیون ویران شده اند.

در استان هرات همچنین طی یک عملیات پاکسازی ضد انقلابیون، ۵۴ تن از اشرار به هلاکت رسیدند.

حمایت از "بیانیه دهلی"

سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا (آپسو) از "بیانیه دهلی" که سران دولتهای آرژانتین، یونان، هند، مکزیک، سوئد و تانزانیا صادر کرده اند بمثابه ابتکار مهم دولتهای صلح دوست استقبال نمود. در اعلامیه این سازمان، گفته شده بیانیه دهلی از حق انسانها برای زندگی در صلح دفاع کرده و از دولتهای دارای سلاح هسته ای خواستار انعقاد قراردادی درباره قطع فوری تولید، آزمایش و استقرار این سلاحها چه در زمین و چه در فضا شده است.

جشنهای چهاردهمین سالگشت...

بقیه از صفحه اول

فارسی و انگلیسی خوانده شد. دبیر برنامه‌های جشن عبارت بودند از نمایش اسلاید، تئاتر، تئاتر عروسکی و شعر پیامهای حزب کمونیست کانادا و هواداران حزب توده ایران-کانادا نیز خوانده شد. در بخشی از پیام سازمان هواداران حزب توده ایران-کانادا آمده است:

اینک بار دبیر یورش خائنانه رو"سیا"هان رو بر تافته از خلق در کشتزار میهنمان سیلاب خون به راه می‌اندازد تا تاریخ جنیش سپید موی عشق را از یادها بریاید؛ تاریخ نورباری را که با خون عمو و غلی‌ها و ارانی‌ها، وارطان‌ها و روزبه‌ها، جزئی‌ها و حمید اشرف‌ها، افضلی‌ها و فرزادها، میثمی‌ها و بورچم‌ها نوشته اند.

در اطراف محل جشن میزهای فروش کتاب، نشریات، پوستر و نوار دایر بود. مراسم جشن با خواندن یک قطعه شعر به پایان رسید.

فرانسه

روز نهم فوریه (۲۰ بهمن)، چهاردهمین سالروز تولد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پاریس باشکوه فراوان جشن گرفته شد.

علیرغم تلاشهای مذبوحانه مزدبگیران سفارت جمهوری اسلامی که به دفعات به از بین بردن آفیش‌های اعلان جشن بر در و دیوار شهر اقدام کرده بودند، تعداد کثیری از ایرانیان و میهمانان خارجی در مراسم جشن شرکت نمودند.

مراسم جشن با اعلام یک دقیقه سکوت برای بزرگداشت همه به خون خفتگان خلق آغاز گشت. اجرای ترانه سرود ۱۹ بهمن، ساخته کارگاه هنر ایران، توسط گروه سرود شور خاصی به جشن بخشید. به دنبال خواندن پیام کمیته مرکزی سازمان به مناسبت ۱۹ بهمن پیامهای شادباش احزاب و سازمانهای انقلابی به شرح زیر خوانده شد.

- کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه
- سازمان حزب توده ایران در فرانسه
- سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان در فرانسه
- حزب کمونیست عراق در فرانسه
- حزب کمونیست یونان در فرانسه
- حزب کمونیست سوریه در فرانسه
- حزب کمونیست اروگوئه در فرانسه
- حزب دمکرات کردستان عراق در فرانسه
- جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) در فرانسه
- حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش در فرانسه
- کمیته فرانسوی همبستگی با زندانیان سیاسی و علیه اختناق در ایران

- اتحادیه کارگران ترکیه در فرانسه
همبستگی پرشوری که در تمام این پیامها نسبت به مبارزات مردم ایران و سازمان ما ابراز شد، هم میهمان حاضر در جشن را شدیداً تحت تاثیر قرار داد. در بخشی از پیام کمیته‌های یونانی در فرانسه آمده است:

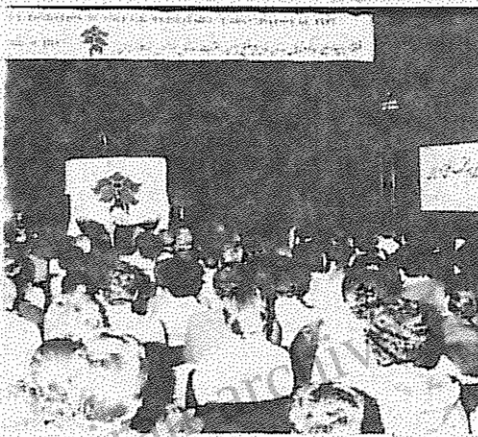
"حزب ما تلاش می‌ورزد که افکار عمومی را نسبت به شکنجه و سرکوبی که جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی و مترقی ایران اعمال می‌کند، جلب نماید. ما پشتیبانی عمیق خود را از مبارزه دشوار شما

اعلام داشته، ملتئیم که پیروزی از آن شاست".
مواداران حزب دمکرات کردستان عراق در فرانسه در پیام خود نوشته اند:

"رفقای عزیز! موضع شما نسبت به حقوق حقه خلق کرد مورد حمایت ماست. ما همبستگی خود را با سازمان شما در مبارزه مشترکمان علیه امپریالیسم و همه نیروهای ارتجاعی منطقه اعلام می‌داریم".

در قسمتی از پیام حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش در فرانسه آمده است:

"به نام کمونیستهای مراکشی پرشورترین شادباشهای خود را انتشار کرده، حمایت کامل خود را از مبارزه‌تان برای ایرانی پیشرفته، آزاد و دموکراتیک، و رها شده از بند تاریک اندیشی و فشری‌گری ایرانی‌ها داریم".



در بخشهای هنری جشن یک گروه دو نفره خواننده و نوازنده از ترکیه با اجرای ترانه‌هایی از اشعار ناعلم حکمت و چند ترانه مردمی دیگر، گرمی و شور فوق العاده‌ای به مراسم جشن بخشید. دکلمه شعری بمناسبت سالگرد تولد سازمان و اجرای یک نمایش بر اساس "شعر" شکوایه یک تاجر بازار از ملامتهای مردم، بسیار مورد توجه حضار در جشن قرار گرفت. آشورپور، هنرمند محبوب و مردمی ایران با خواندن ترانه "مرا ببوس" بیاد نظامیان شهید توده‌ای پیش از پیش بر گرمی جشن افزود. آشورپور با اجرای چند ترانه زیبایی محلی، عطر و بوی گلهای کیلان زمین را در سالن پراکند و هوای وطن در خون تبیبه را در سرها تازگی بخشید.

جشن چهاردهمین سال تولد سازمان در پاریس، با اجرای سرود انترناسیونال توسط گروه کرو و همراهی دسته جمعی حضار به پایان رسید.

اتریش

بمناسبت چهاردهمین سالگرد تأسیس سازمان در روز نهم فوریه (۲۰ بهمن) جشنی با شرکت ایرانیان و نیروهای مترقی خارجی در وین برگزار گردید. در آغاز جشن با تاربخچه‌ای از مبارزات سازمان و تحلیلی از شرایط فعلی ایران و جنبایات رژیم جمهوری اسلامی، گزارشی از فعالیتها و موفقیتهای یکساله اخیر ارائه گردید. برنامه‌های هنری متنوعی نیز به اجرا درآمد. شرکت کنندگان در جشن از اطریش،



رفیق کارکر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش
حین سخنرانی در جشن سازمان

ترکیه، شیلی، عراق و یونان علاوه بر اعلام همبستگی با مبارزات مردم ایران و سازمان فدائیان خلق با اجرای برنامه‌های هنری در برگزاری جلوه دبیری از همبستگی بین المللی رابه نمایش گذاشتند.

در پیامی که از سوی هواداران حزب توده ایران در اطریش خوانده شد ضمن ارائه تصویری از اوضاع سیاسی ایران و جو فشار و سرکوب، بر ضرورت و فوریت تشکیل جبهه متحد خلق و اهمیت وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تاکید شد و اشاره گردید که هیچ چیز نمی‌تواند مانع وحدت سازمان و حزب گردد.

پیام حزب کمونیست اطریش توسط رفیق کارکر (KARGER) عضو کمیته مرکزی و مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست اطریش خوانده شد. در این پیام ضمن شادباش سالروز تأسیس سازمان برای پیروزی در مبارزه به خاطر رهایی خلقهای میهنمان آرزوی موفقیت شده است. همچنین روحیه انترناسیونالیستی حزب کمونیست اطریش که در نتیجه سالها مبارزه کمونیستهای اطریشی دوشادوش مبارزین سایر کشورها بر ضد فاشیسم هیتلری، فاشیستهای اسپانیا و... آبدیده‌تر شد. و بصورت سنتی در این حزب درآمده است مورد تشریح قرار گرفت.

مواداران نیروهای تشکیل دهنده "جبهه متحد چپ ترکیه و کردستان ترکیه" در وین ضمن اجرای برنامه هنری بسیار جالبی توانستند تحسین حضار را برانگیزند. در پیامی که از سوی آنان ارائه گردید بر ضرورت اتحاد خلقهای منطقه و همبستگی بین المللی برای پیروزی بر امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ددمنش تاکید شده است. هواداران سازمان جوانان کمونیست یونان نیز در پیامشان، برای سازمان فدائیان خلق ایران در مبارزه دشواری که در پیش دارد آرزوی پیروزی کردند.

سایر نیروهای شرکت کننده در جشن عبارت بودند از: کارگران مترقی ترکیه، اتحادیه دانشجویان عراقی در وین، جبهه متحد جوانان و دانشجویان کرد، انجمن دانشجویان کرد اروپا. در این جشن از طریق میزهای کتابی که قرار داده شده بود کتابها، اعلامیه‌ها و نشریات فارسی و آلمانی ارائه گردید. همچنین برخی محصولات صنایع دستی ایران نیز به شرکت کنندگان ارائه گردید.

اسپانیا

مراسم بزرگداشت چهاردهمین سالگرد

پیامهای شادباش...

بقیه از صفحه آخر

رفیق فرخ نگهدار دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

رفیق عزیز!

همبستگی و دروهای انترناسیونالیستی حزب کمونیست اسپانیا را به شما به مناسبت آغاز پانزدهمین سال بنیان گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ابراز میداریم.

سالگرد سازمان شما مقارن لحظات بسیار دشوار و سختی برای خلقتان است. اما ما مطمئن هستیم که مبارزه شما و حزب برادر، حزب توده ایران در کنار دیگر نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضدامپریالیست ایران فصل تازه و روشنی را در تاریخ مبارزات کشورتان خواهد گشود.

به شما اطمینان می دهیم که وثایف همبستگی و همدردی خود را فراموش نکرده و به پیگیری خواست هایی چون: ابطال فوری احکام اعدام، متوقف کردن شکنجه، آزادی دستگیرشدگان و بدلور کلی رفع فشار و اختناق که خلق شما متحمل است، ادامه می دهیم.

با امید به آنکه به زودی به صلح عادلانه و یک آزادی حقیقی، در چارچوب یک آزادی واقعی ملی و اجتماعی دست یابید. دروهای برادرانه انقلابی خود را برای شامی فرستیم.

سیمون سانچز مون ترو

عضو دبیر خانه و مسئول کمیسیون روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا.

پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست فرانسه

حزب کمونیست فرانسه به مناسبت چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمان شما، همبستگی خویش را با خلق

بنیان گذاری سازمان فدائیان خلق در اسپانیا به عرصه پرشکوهی از همبستگی بین المللی با مبارزات مردم میهن و سازمان مابدل گشت. ایرانیان بسیاری کرد آمدند تا با آرمان های والای فدائیان خلق تجدید عهد نمایند. کرد آمدند تا خاطره شهدای فدایی و همه شهدای خلق را گرامی بدارند و حماسه ها و فداکاریهای سترگی که هم اکنون توسط فدائیان خلق در سراسر میهنمان آفریده می شود، ارج بدارند.

برنامه های متنوعی در مراسم جشن گنجانده شده بود که با موفقیت اجرا گردید بیان مبارزات درخشان و انقلابی سازمان، نمایش فیلم، اجرای موسیقی اسپانیولی، اجرای موسیقی کره ای، اجرای موسیقی ایرانی همراه با رقص کردی و خواندن چند شعر انقلابی توسط یک شاعر کمونیست از جمله برنامه های جشن بود. برگزاری نمایشگاه صنایع دستی ایران و نمایشگاه تابلوهای نقاشی یک هنرمند انقلابی جبهه فارابوند و مارتی بسیار مورد توجه قرار گرفت.

پیامهای بسیاری از طرف احزاب، سازمانها و شخصیت های مترقی به مناسبت سالگرد ۱۹ بهمن ۱۳۴۹

ایران و نیروهای دموکراتیک آن مورد تأیید مجدد قرار می دهد.

حزب کمونیست فرانسه به تلاشهای همه ترقی خواهان و میهن پرستان ایرانی، بویژه به اعضا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه در راه دموکراسی، رعایت حقوق بشر، ترقی اجتماعی و پایان دادن به جنگ بین عراق و ایران، درود می فرستد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه
پاریس - ۵ فوریه ۱۹۸۵

پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست کانادا

رفقای عزیز!

برای ما مایه بسی خوشوقتی است که صمیمانه ترین تبریکات رفیقانه خود را به مناسبت آغاز پانزدهمین سال بنیان گذاری سازمان شما ابلاغ داریم.

ما تحولات ایران را از نزدیک دنبال کرده و نسبت به پیچیدگی مبارزات شما آگاهی کامل داریم. ما هم چنین با آگاهی از همکاری بین سازمان شما و حزب توده ایران آرزو مندیم که این همکاری ثمربخش بتواند اثرات بازهم بیشتری در رشد و توسعه جنبش توده ای میهن شما برای تغییرات سیاسی در ایران داشته باشد.

ما مایلیم که در آستانه پانزدهمین سال موجودیت شما بتوانیم همکاری خود را با شما به منظور تلاش برای سرنگونی رژیم خونخوار ایران و همچنین مبارزه در کشور ما برای صلح و پیشرفت های اجتماعی گسترش باز هم بیشتری بدهیم.

ما برای شما آرزوی موفقیت می نمائیم.

با گرمترین تبریکات رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا
دبلیو-ام-کاشتن-دبیر کل

پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست هند (مارکسیست)

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) تبریکات انقلابی خود را به مناسبت چهاردهمین سالگرد هشت فوریه به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ابراز میدارد.

برگزاری این سالگرد در زمانی صورت میگیرد که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حقوق دموکراتیک مردم را زیر پا گذاشته و محکومینهای وحشیانه ای را به نام قوانین اسلام بر مردم روا داشته و حقوق انسانی زنان را متکثر می شوند، در رأس همه این اقدامات رژیم مستبد تهاجم و وحشیانه ای را بر علیه نیروهای چپ سازمان داده است.

تعداد بسیاری دستگیر و شکنجه شده و بسیاری به قتل رسیده اند و بسیاری دیگر در انتظار اعدام بسر میبرند. سیاست کثونی رژیم غمینی در جهت امپریالیسم آمریکایی علیه مردم ایران که برای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم خاندان پهلوی بپا خواستند می باشد.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که در تاریخ ۱۹۸۴ برگزار گردید این مسائل را مورد بررسی قرار داده و قوای انقلابی را در ارتباط با وضعیت فوق العاده بغرنج کثونی صادر نمود.

مایه مشرت است که علیرغم سرکوب ددمنشانه که از جانب رژیم اعمال شده، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با موفقیت توانسته است در بیشتر شهرهای ایران به فعالیت انقلابی خود را در بین لایقه کارگران و محنت کشان ادامه دهد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) همبستگی و حمایت قاطع خود را از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ابراز می دارد و برای شما موفقیت های هر چه بیشتر در مبارزه بر علیه رژیم ارتجاعی و برگرداندن انقلاب ایران به مسیر ضد امپریالیستی و در جهت کسب دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مردم ایران را آرزو میکند.

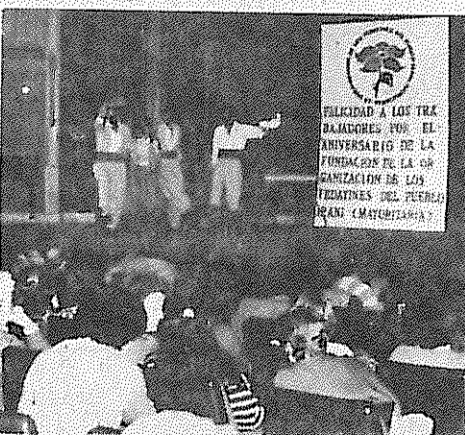
کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

فرستاده شد. که در میان آنها تلتراف خاتم آمبارو بلانچ مشاور پناهندگان سیاسی در صلیب سرخ جلب توجه می نمود. متن تلترام ایشان چنین است:

"سازمان فدائیان خلق ایران

آ. ت. نه اود مادرید

با آرزوی بهترین موفقیتها بر ایستادن و ادامه رزمندان



صمیمانه ترین درودها برای همه تان " احزاب، سازمانها و شخصیت های زیر به مناسبت چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن پیام های شادباش ارسال داشتند.

سازمان آزادیبخش فلسطین-اسپانیا

جبهه دموکراتیک خلق برای آزادی فلسطین-اسپانیا

حزب کمونیست اروگوئه-اسپانیا

حزب کمونیست کارگران اسپانیا

حزب کمونیست کارگران اسپانیا-کمیته ایالتی

حزب کمونیست-کمیته ایالتی خفاه بزرگترین

بئش صنعتی مادرید

سازمان جوانان حزب کمونیست اسپانیا

جمعیت سیزها

انجمن دانشجویان عراقی-اسپانیا

جبهه چپ دومنیکن-اسپانیا

جمع عمومی کمیته همبستگی با خلقهای

(ال سالوادور، نیکاراگوا، پاراگوا، کواتمالا،

شیلی، آرژانتین، اروگوئه، پرو)

سازمان جوانان کمونیست

گروه کمونیستهای مراکش در اسپانیا

پیامهای شادباش احزاب کمونیستی و کارگری به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت سالگشت ۱۹ بهمن

پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست آفریقای جنوبی

رفقای عزیز!

حزب کمونیست آفریقای جنوبی صمیمانه ترین درودهای انقلابی خود را به جشن شما بمناسبت چهاردهمین سالگرد حیات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تقدیم می دارد. سازمان شما در کنار متحد خویش "حزب توده ایران" در مقطع کنونی مسئولیت سنگینی را در متحمل کردن توده های مردم ایران در دفاع از دستاوردهای انقلاب ۱۳۷۹ که با فداکاری بسیار به بار آمد، بردوش دارد. تاریخ پر افتخار مبارزات گذشته شما برای ما هیچگونه تردیدی در شجاعت، ایثار و پایداری شما نسبت به آماجهای استقلال ملی، سوسیالیسم و آزادی باقی نمی گذارد. منافع کارگران و دهقانان ایرانی که اکثریت مطلق جامعه ایران را تشکیل می دهند، در دستهای پرتوان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران با امانت حفظ می گردد.

مبارزه علیه ارتجاع داخلی با مبارزه جهانی علیه امپریالیسم به سرکردگی ایالات متحده و حاکمیت جنایتکاران پیمان پیوند ناگسستنی دارد. در این مبارزه ما روح انترناسیونالیسم پرولتری را به کمال منعکس نموده اید و این تنها راه تضمین کننده پیروزی اهداف مشترک ما و بسیج رزمندگان نیروهای صلح و پیشرفت در سراسر جهان می باشد.

امسال در چهلین سالگرد پایان جنگ دوم جهانی، با الهام از نقش پر افتخار اتحاد جماهیر شوروی و ارتش شکست ناپذیر سرخ که نیروی پر قدرت مبین پرستی واقعی و انترناسیونالیسم را به نمایش گذاشتند، اطمینان داریم که با تکیه بر اصول سوسیالیسم علمی و مارکسیسم-لنینیسم پیروزی نهایی بر ارتجاع و فاشیسم قطعی خواهد بود.

ما، کمونیستهای آفریقای جنوبی هم نام با متحدینمان کثرت ملی آفریقا (در حالیکه درگیر نبرد مسلحانه سترگی بر ضد رژیم جبار و خون آشام آپارتاید می باشیم، به شما رفقای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درود می فرستیم و برای شما در اجرای تمامی مسئولیت هایتان آرزوی پیروزی می نمائیم ما با یکدیگر دنیا را جدیدی را خواهیم ساخت که در آن استثمار فرد از فرد کاملاً از بین رفته باشد و مردم همه کشورها دوشادوش یکدیگر

در صلح و آرامش زندگی نمایند.

مرکز بر امپریالیسم، ارتجاع و جنگ!

زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد صلح

با تقدیم احترامات دپارتمان بین المللی حزب کمونیست آفریقای جنوبی (۲۱ ژانویه ۱۹۸۵)

پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست آلمان

رفقای عزیز!

درودهای گرم و برادرانه کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان را به مناسبت چهاردهمین سالگرد اعلان موجودیت سازمان فدائیان خلق ایران بپذیرید. این سالگرد مناسبتی است تا همبستگی خود را با شما و با همه دمکراتهای ایران ابراز داریم. ما حملات نژادپرستانه و جنایتکارانه به اعضا حزب توده ایران و سازمان شما و به همه دمکراتهای ایران را شدیداً محکوم می کنیم. ما می دانیم که مبارزه شما برای هدفی عادلانه است، برای ایرانی مستقل و متعهد به پیشرفت دمکراتیک اجتماعی.

نیروهای ارتجاعی در ایران که امروز نیروهای دمکرات و ترقیخواه را تحت پیگرد قرار می دهند، خواه ناخواه به سود امپریالیسم آمریکا عمل می کنند. آنها از این طریق به مردم ایران، که طی پیکاری پر قربانی، شاه و نیز امپریالیسم آمریکا را که بر همه چیز سلطه داشت، از کشور بیرون کردند، خیانت می ورزند. رفقای عزیز، ما واقفیم که به ویژه در مبارزات کارگری مجتمع فولاد اصفهان که اخیراً خبر آن رسید، اعضای سازمان شما به اتفاق اعضای حزب توده ایران نقش مهمی ایفا کردند.

امروز جنبش جهانی همبستگی با دمکراتها ایرانی تحت پیگرد و یورش در جریان است. حزب کمونیست آلمان نیز جزئی از این جنبش است. در اکسیونهای بسیاری اعضای سازمان شما در کنار رفقای حزب کمونیست آلمان مبارزه کرده اند. بگذارید اینک تشکر خود را از این بابت ابراز

داریم.

ما از روند اتحاد نیروهای دمکراتیک و انقلابی ایران که به پیش می رود، استقبال می کنیم. رفقا! باردیگر تشکر و درودهای رفیقانه ما را بپذیرید

با درودهای کمونیستی

فرمان گاو تیر، معاون صدر حزب کمونیست آلمان

پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست (اسپانیا)

رفیق فرخ شتهدار دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)!

رفیق گرامی!

ما میل هتم بمناسبت چهاردهمین سالگرد بنیان گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همبستگی عمیق کمونیستهای اسپانیا را به شما و به همه فدائیان خلق ابراز نمائیم. ما حزب کمونیستهای اسپانیا بخوبی بر مبارزه دشواری که در لحظات کنونی، شما و دیگر انقلابیون، برای رهایی خلق ایران از دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی به پیش می برید آگاهی داریم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همواره چه در حال و چه در گذشته استواری و ایمان خلل ناپذیر خود را به آینده نشان داده است.

همچنین به نظر ما روند وحدت سازمان شما با حزب توده ایران بعنوان شرط ضرور برای پیشرفت مبارزه دمکراتیک، باعث تقویت مبارزه انقلابی در کشورتان شده و مالا به سقوط رژیم جمهوری اسلامی شتاب می بخشد.

بیشترین موفقیت را برای شما در مبارزه تان به خاطر آزادی، سوسیالیسم و صلح آرزو مندیم. عمیق ترین درودهای برادرانه من و

کمونیستهای اسپانیا را بپذیرید.

ایکتاسیو گایتو دبیر اول حزب کمونیست (اسپانیا)

پیام کمیته مرکزی

حزب کمونیست اسپانیا

بقیه در صفحه ۱۵

AKSARIYAT

NO.47

MONDAY MARCH 4.85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

کلمات مالی رسیده

دورفیک فدایی از شهر ایسالا (سوئد) ۱۰۰۰ کرون
"مانی" سوئد ۲۰۰ کرون
"تور" سوئد ۱۰۰ کرون
کمک مالی جمیع آوری شده در یک جشن عروسی
در شهر فرارا (ایتالیا) ۱۰۰ هزار لیر
مذبه یک رفیق از ایتالیا یک گردنبند طلا
۴۰۰ ازیکل (آلمان فدرال) ۱۰۰ مارت

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را

رفقای فدائی در دهلی با جمع آوری

کمک مالی در یک جشن عروسی

تأمین کردند

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!